مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۴، چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸
تک‌شماره پانزده ریال

استقرار یک
نظام ملی و دموکراتیک
که هدف کنونی حزب ماست، به چه معناست؟

حزب تودهٔ ایران در شرایط کنونی برای چه مقصدی مبارزه می‌کند؟ آیا این حزب برآنست که در شرایط کنونی تکامل جامعهٔ ایران، باید بلاواسطه به ساختن جامعهٔ سوسیالیستی دست زد؟ آیا به‌نظر او زمینه‌های عینی اقتصادی، سیاسی، روحی، فرهنگی برای ایجاد جامعهٔ سوسیالیستی هم‌اکنون در کشور ما فراهم است؟

پاسخ روشن ما به‌این سؤالات چنین است: نه! حزب تودهٔ ایران نمی‌خواهد در شرایط کنونی در ایران جامعهٔ سوسیالیستی به‌وجود آورد وبرآنست که زمینه‌های عینی آن فراهم نیست،

بقیه در صفحهٔ ۷

برنده‌تر باد تصمیمات دادگاه‌های انقلاب، تبلور خشم و آگاهی انقلابی توده‌ها

رئیس دادگاه‌های انقلاب، این بازوی توانا وکارای انقلاب، به‌مردم نوید مهمی داد وبه ضد انقلاب هشداری جدی. علی‌رغم توطئه‌های خارجی وداخلی، علی‌رغم اشك‌های تمساح، که به‌نام «حقوق بشر و موازین قضا» توسط پایمال کنندگان بیشرم این حقوق وموازین به‌زمین ریخته می‌شود، علی‌رغم ترورهای جنایت‌کارانه‌ای که قلب اتحاد و به‌هم پیوستگی خلق ما را هدف می‌گیرد، حضرت آیت‌الله خلخالی گفت که کار دادگاه‌های انقلاب همچنان ادامه خواهد یافت و سر سپردگان رژیم فاسد محاکمه و مجازات خواهند شد.

مردم انقلابی ایران می‌دانند که کار پیروزی انقلاب تنها باضربه خوردن کژدم پایان نمی‌یابد و باید سرش را به‌تمامی کوفت و جزء جزء نیش پر زهر و پرکینش را نابود کرد. درست بهمین دلیل آن‌ها به‌این مشی قاطع وپی‌گیر درود می‌فرستند واز دادگاه‌های انقلاب در جهت سرکوب سریع و قاطع همه عمال امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع، با شور وبا شعور کامل، با خرسندی وبا آگاهی حمایت می‌کنند و می‌طلبند که ریشهٔ حرامزاده‌های خبیثی، که از وصلت نامشروع و ایران بربادده امپریالیسم و سلطنت وساواك به‌وجود آمده‌اند، خشکانده شود.

این روش دادگاه‌ها در جهت همان گفته اخیر امام خمینی است که از قیام و استقامت سخن راند واز لزوم باقی ماندن وحدت، تا پیروزی حاصل شود. رئیس دادگاه‌های انقلاب به‌حق نام محمد رضا پهلوی، شاه مخلوع وسه تن از اقوام او و سه تن از نخست وزیران سابق او و سه تن از قداره‌بندان خونریز او وتنی چند از پادوهای سر سپرده و زد وبندچی او را در ردیف محکومین باعدام ذکر کرد. آن‌روز که این خبر انتشار یافت، هر کسی می‌شنید، از صمیم قلب با رئیس دادگاه‌های انقلاب هم‌قول و یکصدا می‌شد، چرا که از نظر همه مردم محروم و ستم‌کشیدهٔ ایران، این افراد ازهم‌اکنون باید مجازات شوند.

بقیه در صفحهٔ ۴

حربهٔ ابلیسی تفرقه افکنی
مهم‌ترین حربهٔ امپریالیسم برای تأمین سیادت خود

از زمان امپراطورهای رم می‌گفتند: «تفرقه بیانداز و حکومت کن!» این شعار ماکیاولیستی را به‌ویژه امپراطوری انگلیس به شاه شعار سیطره‌جوئی خود بدل ساخت. امروز امپریالیسم، و در رأس آن امپریالیسم امریکا، برای عمل سیاسی خود علیه دشمنان خویش، جز این «نسخه معجز

بقیه در صفحهٔ ۴

گلولهٔ بی‌ایمان شما، تیغ دادگاه انقلاب را تیزتر می‌کند

دادگاه انقلاب اسلامی ایران پیامی فرستاد که از جنایات دستگاه‌های ترور و شکنجه و قتل و بیدادهای رژیم سابق پرده برمی‌دارد، ارتباط و وابستگی‌های این دستگاه‌ها را به‌سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی، به‌ویژه «سیا» و «موساد» آشکار می‌سازد.

این پیام جواب دندان‌شکنی است به‌همه کسانی که‌می‌خواهند، به‌هر وسیله‌ای شده، از قاطعیت انقلابی و از نقش این دادگاه‌ها در ریشه‌کن‌کردن بقایای رژیم منفور گذشته بکاهند.

ما خلاصه‌ای از این پیام را برای آشنائی خوانندگان «مردم» در زیر چاپ می‌کنیم:

***شما با هر ترور احمقانه، حلقه محاصره را علیه خودتان تنگتر می‌کنید.**

باردیگر از حلقوم آتشبار مسلسل فریاد جاودان علی(ع) صدای عدالت انسانی برخاست که:

«می‌کشندتان و نمی‌کشید، غارتتان می‌کنند و مصادره نمی‌کنید، شب‌ها برایتان نقشه

بقیه در صفحهٔ ۶

اعدام های انقلابی جنایتکاران و خیانت‌پیشگان رژیم منفور گذشته، با قاطعیت انقلابی ادامه می‌یابد.

آیت‌الله خلخالی رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی اعلام کرد:

دادگاه‌های انقلاب تبلور خشم انقلابی توده‌های مسلمان است.

اعضای خانواده سلطنتی هنوز به‌طورغیابی محاکمه نشده‌اند، ولی از نظر ما و مردم ایران بسیاری از آن‌ها، از جمله محمدرضا پهلوی و گروهی که وی نام برد، محکوم به‌اعدام‌اند.

هنگام محاکمه سردمداران رژیم طاغوتی، ما احساس می‌کردیم که فشارهائی بردادگاه‌ها هست، ولی دادگاه‌ها با کمال رشادت به‌کار خود ادامه دادند.

ما نقشه تمام‌امپریالیست‌ها وصهیونیست‌ها را نقش برآب می‌کنیم.

آیت‌الله خلخالی رئیس دادگاه های انقلاب طی یك‌مصاحبه مطبوعاتی از جمله چنین‌گفت:

دادگاه‌های انقلاب از الگوهای اسلامی و ایرانی استفاده می‌کند و الگوهای دادگاه‌های غربی مورد نظر قرار نخواهد گرفت.

او گفت: اعضای خانواده سلطنتی هنوز بطور غیابی محاکمه نشده‌اند ولی از نظر ما و مردم بسیاری از آن‌ها از جمله محمدرضا پهلوی، فرح پهلوی، اشرف‌پهلوی و ارتشبد اویسی و پالیزبان و گروهی‌دیگر که وی نام برد، محکوم به‌اعدام می‌باشند.

دادگاه‌های انقلاب تبلور خشم انقلابی توده‌های مسلمان است و در این زمینه از هیچ‌گونه الگوی‌غیراسلامی استفاده‌نمی‌کند.

بقیه در صفحهٔ ۴

حقیقت بزرك، از زبان بابك کوچك

اسم من بابک است کلاس دوم
درس می‌خوانم من انقلاب را خیلی
دوست دارم من امسال ۵۰ تومان
پیدی جمع کردم می‌خواستم دوچرخه
بخرم اما خیلی گران بود پدرم گفت
این پول را به شما بدهم برای چاپ
روزنامه مردم زنده باد آزادی برای شهدا خالی

کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس از سی‌سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف ازجمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمك مالی به‌حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به‌پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمك مالی را می‌توان مستقیماً به‌دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۳۵۷۲۸، ۹۳۳۴۵۹ ــ آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمك داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمك مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند:

شماره حساب بانکی: ۳۲۳۲، شعبهٔ ۴۱۸ بانك ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایرانِ نوین سابق).

خودمختاری آری، تجزیه طلبی نه!

حزب تودهٔ ایران نخستین نیروی سیاسی در کشور است که سالیان دراز در راه تامین حق خودمختاری اداری و فرهنگی خلق‌های ساکن میهن ما مبارزه کرده و در این راه همیشه مورد حملات شدید ارتجاع داخلی و امپریالیسم حامی آن واقع گردیده است. معضل مهم و حیاتی حق خودمختاری اداری و فرهنگی، در چارچوب وحدت ملی و با حفظ اکید استقلال و تمامیت ارضی ایران، یکی از مواد اساسی برنامه پیشنهادی حزب ما برای تشکیل جبهه متحد خلق است.

اینکه حزب توده ایران اهمیت فوق‌

بقیه در صفحهٔ ۶

حریم آزادی اندیشه و بیان را گرامی داریم

بی‌بند و باری در این میدان همانقدر زیانبار است که محدودیت آن

آزادی اندیشه و بیان بدون هراس عقاید و نظریات در رسانه‌های گروهی یکی از نخستین خواست‌های انقلاب مردم ایران بود. انقلاب بایست به‌این خواست پاسخ گوید، پاسخی روشن و مثبت. نه‌تنها پاسخ گوید، بلکه شرایط‌لازم‌برای‌تحقق عملی آن به‌وجود آورد.

انجام کامل و بی‌خدشه این امر مهم، هم به‌دستگاه دولت و هم به‌صاحبان اندیشه و

بقیه در صفحهٔ ۳

پشتیبانی از فلسطین یك وظیفه ملی و انقلابی است

سی و یکسال از اشغال فلسطین توسط‌نیرو های صهیونیستی و راندن قهرآمیز خلق فلسطین از موطن خود می‌گذرد. در تمام این مدت مبارزه مردم فلسطین برای بازپس گرفتن خاك خود و تشکیل دولت مستقل فلسطین ادامه داشته است. اینك جنبش آزادیبخش فلسطین، بعنوان یگانه نماینده خلق فلسطین در سطح بین‌المللی، چه در سازمان ملل متحد و چه از سوی بسیاری

بقیه در صفحهٔ ۵

فعالیت سالم سندیکائی را ازطریق اصولی باید تقویت کرد

همه می‌دانیم که پس از سقوط رژیم شاه مخلوع، مهم‌ترین مسئله اجتماعی، تحکیم و استمرار انقلاب در جهت جامعه‌ای آزاد و مستقل و تامین هرچه بیشتر منافع ملی و میهنی در مقابله با امپریالیسم و عناصر ضدانقلابی است. در عمل تحقق این هدف بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌تر از سرنگونی رژیم سابق است.

از جمله مسائل مهم و پیچیده، مسئله حقوق و منافع طبقه کارگر است. اهمیت وجود این طبقه به‌اندازه‌ای‌است که هیچ مسئله اجتماعی را نمی‌توان یافت که به‌نحو مستقیم و غیر مستقیمی با منافع کارگران ارتباط نداشته باشد. پس به‌طور طبیعی‌مسائل کارگری در مرکز مسائل اجتماعی قرار دارد و بدون درنظر گرفتن منافع مادی ومعنوی

بقیه در صفحهٔ ۶

مردم لغو قانون کاپیتولاسیون را تائید می‌کنند و در انتظار لغو قرارداد دو جانبهٔ نظامی با امریکا هستند

عصر روز ۲۴ اردیبهشت‌ماه، شورای عالی انقلاب ماده واحده‌ای را به‌پیشنهاد دولت تصویب کرد که‌طبق‌آن،قانون‌کاپیتولاسیون لغو گردید. این خبر مسرت‌بخش، که از جانب وزارت خارجه اعلام گردید، با تائید عموم مردم روبرو شد، زیرا قانون کاپیتولاسیون ــ واگذاری مصونیت سیاسی قضائی و دیگر معافیت‌ها به‌مستشاران نظامی امریکائی در ایران ــ یکی از ننگین‌ترین قراردادهای اسارت‌بخش ضدملی بود، که

بقیه در صفحهٔ ۳

رویدادهای ایران

● چه‌کسانی در راه تحدید آزادی‌ها تلاش می‌کنند؟

حوادثی نظیر دستگیری و شکنجه یکی از مجاهدین در شهر قزوین ،حمله به‌دفاتر مجاهدین در برخی شهرها نظیر شهرستان خرم‌آباد از یک‌سو و حمله به‌کتابفروشی‌ها و تظاهرات عده‌ای ناشناس برای جلوگیری از پخش تعدادی از روزنامه‌ها در شهرهای تبریز و شیراز، در ارتباط با نخستین نشانه‌های تشنجی که در خرمشهر روی داده و منجر به‌تیراندازی و مجروح شدن عده‌ای گشته است، برای چندمین بار این حقیقت را در پیش روی خلق ایران و رهبران انقلاب می‌گذارد که، ارتجاع و دست‌نشاندگان رژیم گذشته یک‌دم آرام نیستند و پیوسته تدارک برخوردهای گوناگون بین گروه‌ها و سازمان‌ها را می‌بینند. شناسائی کسانی که حمله به‌کتابفروشی‌ها و تظاهرات برای جلوگیری از پخش روزنامه‌ها را به‌راه می‌اندازند و یا آن را رهبری می‌کنند و دستگیری و پیگرد کسانی که در حمله به‌دفاتر احزاب و سازمان‌ها و یا دستگیری و احیانا شکنجه مبارزان شرکت دارند، شرط ضرور برای پایان دادن به‌اعمالی است که با روح انقلاب هماهنگ نیست و رهبری انقلاب بارها آن را محکوم کرده است. نحوه حملات، دستگیری‌ها و شکنجه‌ها و برپائی تظاهرات محدود و نابنارده، هماهنگی کامل با عملیات عمال رژیم گذشته دارد و به‌همین دلیل ردپای این عملیات را باید براین مبنا دنبال کرد و به‌نقطه اصلی تحریک رسید.

● «سفیر شاهنشاه آریامهر» جاسوس امریکا

آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، درباره ماهیت وزارتخارجه ایران در زمان شاه مخلوع و نقشی که سفارت‌خانه‌ها و برخی کادرهای به‌اصطلاح دیپلماتیک آن‌ها درکشورهای خارج به‌عهده داشتند، در یك مصاحبه با خبرگزاری پارس، مطالبی بیان داشتند که مورد تائید ما نیز هست و می‌بایست به‌این نوع روابط هرچه زودتر خاتمه داده شود. ایشان در مصاحبه خود به‌صراحت گفتند که نمایندگان سفارتخانه‌ها در گذشته با دولت‌های خارجی همکاری می‌کردند و برای مثال سفیر ایران در ایالات متحده، به‌جای همکاری با دانشجویان هموطن خود، با سازمان پلیسی آن‌کشور، یعنی اف ــ بی ــ آی همکاری داشت. وی یادآور شد که در برخی کشورها، نظیر انگلستان و امریکا، با دانشجویان ایرانی به‌هیچوجه خوشرفتاری نمی‌شود.

ما ضمن تائید این مطالب یادآور می‌شویم که بسیاری از سفارتخانه‌های ایران، در گذشته، نقش اداره ساواك و جاسوسی به‌نفع سازمان‌های جاسوسی غرب و اسرائیل را داشته‌اند و حتی برخی از افرادی که در سفارتخانه‌های ایران کار می‌کردند، نقش دلال مواد مخدر و فراهم کردن بساط عیش درباریان را، از طریق اعزام هنرپیشه‌های مشهور زن و مرد سینمائی و ملکه‌های زیبائی جهان به‌ایران، بازی می‌کردند و در عوض در داخل ایران و در داخل کاخ سلطنتی و سفارتخانه‌های امریکا و انگلیس، مسائل مربوط به‌روابط دیپلماتیك و سیاست‌های خارجی ایران طرح‌ریزی می‌شد و توسط کارگزاران دربار به‌اجرا در می‌آمد. البته اردشیر زاهدی، به‌دلیل آن‌که هر دو نقش دلالی و توطئه‌چینی و کارگزاری به‌نفع امریکا را به‌عهده داشت، از دیگران مهم‌تر بود.

● «منطق» مائوئیست‌های ایرانی

روز ۱۳ اردیبهشت، ساعت ۴ بعد از ظهر، در شهر رم پایتخت ایتالیا، یکی از دانشجویان هوادار حزب توده ایران، با چاقو مورد حمله شاهرخ ستایش، یکی از مائوئیستهای «کندراسیون احیاء» قرار گرفت وبه‌شدت مجروح گردید.

این عمل اوباشانه و جنایت‌کارانه، که نمونه‌ای از «منطق» مائوئیست‌های ایرانی است، خشم ونفرت تمام دانشجویان ایرانی مقیم رم را برانگیخت. در جلسه‌ای که با شرکت دانشجویان ایرانی مقیم رم بدین مناسبت تشکیل شد، حاضران، صرف‌نظر ازتفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی، یکصدا این عمل اوباشانه و جنایت‌کارانه را محکوم کردند وخواستار مجازات شاهرخ ستایش شدند. دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم رم نیز طی اعلامیه‌ای چنین روش‌هائی را در مناسبات بین گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی محکوم کردند.

«مردم» و شما

هنوز بیش از چند شماره‌ای از «مردم» انتشار نیافته که مردمی که آن را معتقد به‌خود می‌دانند، به‌دفتر ما نامه‌های متعددی می‌فرستند، نظریات اصلاحی، انتقادی و پیشنهادهای خودرا می‌نویسند، برش‌هائی را مطرح می‌کنند و گاه مقالاتی و اشعاری ارسال می‌دارند.

«مردم» مال شماست و بدیهی است که پس از این نخستین‌شماره‌های‌دوره جدیدش، ستون‌های نوین متعلق به خوانندگان را باز کند، از این پس در ستون «خوانندگان مردم می‌نویسند»، ما نوشته‌ها و نظریات شما را منعکس می‌کنیم و در ستون «پرسش‌ها وپاسخ‌ها» به‌سئوالات شما به‌طور خلاصه پاسخ می‌دهیم.

درخواست ما اینست که: مقالات و نظریات خود را تا حد امکان کوتاه بنویسید.

نوشته‌ها بروی یك طرف کاغذباشد.

اگر میل دارید نام شما در روزنامه قید شود حتما درنامه متذکر شوید.

اخباری را که می‌فرستید؛ جدا از مطالب و نظریات بنویسید، زیرا در ستون‌های جداگانه منعکس خواهد شد.

به‌هیئت تحریریه اجازه دهید که حق کوتاه‌کردن مطالب وارده ،و یا انتخاب اشعار واصله و غیره را داشته باشد.

علاوه بر ارسال نامه به‌وسیله پست اگر میل دارید می‌توانید مستقیما نامه های خود را به‌دفتر روزنامه در تهران، خیابان ۱۶آذر شماره ۶۸ در صندوق ویژه کنار در ورودی بیاندازید.

در حاشیه برگزاری مراسم سالگرد خسرو روزبه...

اثری داشت؟ ــ اثرش این بود که یك عده راهش را دنبال کردند. ــ از حزب‌توده چه می‌دانی؟ ــ اولین مبارزانی بودند که بر علیه رژیم و امپریالیسم مبارزه کردند. اما مدتی دیگر هیچ نبود. حالا باز حزب توده خیلی وسیع می‌شود. هدفش خوب است.

یك کارگر از معدن ذغال سنگ:

من از روزبه می‌دانم که خیلی مبارز واز خود گذشته بود ویرای مساوات می‌جنگید وبرعلیه ظلم و رژیم بود.ــ نظرت راجع به حزب؟ ــ حزب تودهٔ ایران طرفدار کشاورز وکارگر است. حزب خوبی‌است.

یك مرد عابر: خسرو انسانی کامل و با شهامت بود. به‌آرمانش معتقد بود. و خصوصیات انسانی داشت وجان خود را فدای ملتش کرد.

یك کارگر: پدر من توده‌ای بود. خودم هم توده‌ای هستم. ما در کارخانه عده‌ای نشستیم ویرای خاطر روزبه این تقویم را ساختیم (تقویم پارچه‌ای)، که عکس‌روزبه رویش بود، نشان می‌دهد) به‌نظر من حزب تودهٔ ایران تنها حزب طبقه کارگر است و من افتخار می‌کنم که پدرم عضو این حزب بود وخودم حالا عضو آن هستم.

یك کارگر کوره‌پزخانه: موقع اعتصاب کوره‌پزخانه، قوای نظامی حمله شدیدی بما کرد. آب را هم بروی ما بستند. غذا را مردم می‌آوردند. روز هفتم معلوم شد که قرار است ۴۵ نفر چاقوکش به‌کارگران اعتصابی حمله کنند. من پیش رفیق روزبه رفتم. اوگفت از هرکارخانه ۵ نفر مسؤل جلوگیری از اقدام آنان بشود. وقتی من پیام روزبه را برای کارگران بردم، ازهر کارخانه ۵۵ نفر آمادگی خود را اعلام کردند.

پس از دستگیری روزبه، در کارخانه‌ها عزای عمومی بود. کاشکی آن‌زمان من به‌جای روزبه کشته می‌شدم. ما روزشماری می‌کردیم که دوباره حزب توده سر بردارد. حالا خیلی خوشحالیم که آرزویمان دارد برآورده می‌شود.

یك پیرمرد روستائی، که همراه پسرش آمده بود: من طرفدار توده بودم، اما فعال نبودم، چون در دهات فعالیت زیاد نبود. روزبه خیلی شجاع بود. من حالا هم خیلی به‌حزب علاقه دارم وبهمین خاطر الان‌اینجا هستم وخیلی هم خوشحال هستم.

یك پیرزن همراه نوه‌هایش: من بی‌سواد هستم. آن‌وقتها که حزب و مصدق بودند، من پرچم می‌گرفتم و رژه میرفتم و بیانیه پخش می‌کردم وبرای زندانیان پول جمع می‌کردم. شوهرم توده‌ای بود، اما من چیز زیادی نمی‌دانم. می‌دانم که آدم‌های خوبی هستند وبرای مردم خوبی و آسایش می‌خواهند.

وایناك در پایان همه این مطالب درباره روز پرشور بزرگداشت روزبه، با هم پیام مادر رفیق پرویز حکمت‌جو، شهید توده‌ای و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب را، که در مراسم بهشت زهرا حاضر بود، می‌خوانیم:

«افتخار می‌کنم که مانند تمام کارگران و زحمتکشان و کشاورزان و همه ملت‌ایران هستم، همانطور که پرویز متعلق به تمام‌خلق ایران است. تا زنده هستم‌پشتیبان‌زحمتکشان و کارگران خواهم بود. به‌قول فرزندم، من یك پسر نداشتم، تمام کارگران‌فرزندان من هستند. درود بر کارگر زحمتکش ما، درود بر تمام شهدای راه آزادی، درود به‌روان پاك خسرو روزبه!»

مردم در سراسر ایران خاطرهٔ شهید بزرگ خسرو روزبه را گرامی می‌دارند

مردم شهرستان‌های ایران نیز، چون مردم تهران، درنخستین بهارآزادی، سالروز شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران را گرامی‌داشتند. گزارش‌هائی که تاکنون درباره این مراسم رسیده، از تبریز، آبادان و اصفهان است، که در زیرخلاصه‌ای از آن‌ها به‌اطلاع خوانندگان‌گرامی می‌رسد.

تبریز

* تبریز قهرمان، با شوری سرشار، خاطره روزبه را گرامی داشت. به‌این مناسبت در دانشگاه آذرآبادگان مراسمی هیجان‌انگیز برگزار شد. بر سر در دانشگاه پلاکات بزرگی آویخته بود که اعلام می‌داشت: «در بزرگداشت‌سالگرد شهادت خسرو‌روزبه رفیق محمد علی عموئی، هنرمند دیرین و برجسته او، سخنرانی می‌کند». و در کنار آن پلاکات دیگری به‌زبان آذربایجانی: «عزیز یولداشمیز عموئی آذربایجانا خوش گلمیسن!»

قبل از مراسم، اطلاعیه‌ای به‌این مضمون در شهر منتشر شد: «مظهر مقاومت وفاتح زندان‌های سیاسی رژیم‌طاغوتی، یعنی محمد علی عموئی، هنرمند دیرین خسرو روزبه، فرزند قهرمان خلق‌های ایران، پس از ۲۵ سال زندان، در بزرگداشت ۲۱ اردیبهشت سخنرانی خواهد داشت.» به‌علاوه یکبار از تلویزیون تبریز و چندبار از رادیوی شهر، در بخش اخبار استان، اطلاعیه مربوط به برگزاری مراسم، بدو زبان فارسی و آذربایجانی، پخش شد.

در ساعت موعود، جمعیتی کثیر، استقبالی پرشور از رفیق‌عموئی به‌عمل‌آورد. در حالی که وی وتنی چند از دوستانش در انتهای سالن به‌سوی محل سخنرانی می‌رفتند جمعیت فریادمی‌زد: «عموئی‌راه‌تو، راه ماست!»، «عموئی، توده‌ای، زنده‌باد!»

پس از آغاز مراسم توسط آقای منصور اصلان‌زاده، از سوی دانشجویان دمکرات تبریز، رفیق عموئی عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران سخنرانی مبسوطی ایراد کرد، که طی آن زندگی و مبارزه روزبه و سیاست حزب ما تشریح شد. سخنان او بارها با ابراز احساسات حضار روبروگشت. سپس دوبرنامه شعرخوانی، توسط دوکارگر با قریحه آذربایجانی، رفقا ذوالفقار و شهرك، انجام گرفت: شعری در باره «روزبه و حزبش» و شعری در باره «امپریالیسم». سپس آقای اصلان‌زاده از رفیق عموئی خواست که با توجه به طول مدت زندان ومبارزه خستگی ناپذیر توده‌ای‌ها وتجربه شخصی خویش، از گذشته سخنانی بگوید. این بخش پیش‌بینی شده در برنامه، عمیقا در حضار تاثیر گذاشت و شور انقلابی افتخار آفرینی به جو جلسه بخشید. پس‌از اجرای دو قطعه شعر دیگر: «ارك قلعه‌بی» و «بفردا» آقای فیروز پیام جوانان و دانشجویان دمکرات را خواند. وی‌سخن ازآن گفت که چگونه خون جزئی فدائی وذوالانوار مجاهد و تیزابی توده‌ای به‌هم می‌آمیزد و مختاری مسلمان و سروشیان گفته و در پاسخ به‌ندای روزنامه ارجمند مقدار مبلغ ناچیز یکهزار ریال به‌موجب حواله کتبی... تقدیم می‌شود».

با تشکر، وصول حواله را اعلام‌می‌داریم.

*

آقای یونس گائینی، کارگر راه‌آهن شهرستان قم، نامه‌ای درباره وضع خود،

بقیه در صفحهٔ ۷

از رشت فتوکپی دو چك و یك نامه را دریافت داشته‌ایم. دوستان ما «ر. م» مبلغ بیست‌هزار ریال و ازطرف آقای «ع.ج.» پنج هزار ریال توسط چك فرستاده و نوشته‌اند، بانك بدون ذکر نام صاحب حساب حواله قبول نمی‌کرد و برای‌مشکلات مشابه تقاضا می‌کنند که اسم شخصیت‌حقیقی یا حقوقی صاحب حساب در متن حواله‌قید شود.

با تشکر از کمك دوستان گرامی، یادآوری می‌کنیم حساب بانکی ما به‌نام آقای تقی کی‌منش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است که ۲۵ سال در زندان محمدرضا پهلوی بود و از جانب حزب این شماره حساب به‌نام ایشان باز شد.

*

«م. ر.» از اصفهان نامه‌ای به‌مثابه پیام نادباش و قطعه شعری به‌مناسبت فراسرین اول ماه مه فرستاده است. وی می‌نویسد: «به‌خاطر گشایش مجدد دفتر «مردم» بعد از سال‌ها اختناق و سانسور کثیف محمد رضاشاهی، که بخصوص در مورد شما بی‌گیرترین مبارزین راه آزادی و استقلال اجرا می‌شد، صمیمانه تبریك می‌گوئیم». وی از پیروزی آرمان‌های ارانی‌ها، روزبه‌ها و وارطانها نامبرده و با شعار «درود بر حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران» نامه خود را پایان میدهد.

سپاسگزاریم و متقابلا موفقیت شما را در کار و پیکار آرزومندیم.

*

دوستی همراه یك سکه «یك‌پهلوی» نامه‌ای در چند سطر نوشته و از این‌که عکس شاه خائن روی کمك مالی وی است، پوزش می‌خواهد و می‌نویسد: «وضع‌مالی خودم هم چندان خوب نیست، ولی من توده مردم و حزب این توده را مهم‌تر از خودم می‌دانم.»

دوست گرامی صمیمانه سپاسگزاریم.

از رودسر نامه‌ای همراه با یك حواله کتبی بانکی دریافت کرده‌ایم. «ر.ع.» در نامه خود می‌نویسد: «درخشش روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را در آسمان انقلاب ایران صمیمانه تبریك

اخبار کارگری

تحصن کارکنان شرکت‌های «آرمه» و «تسا»

نمایندگان ۲۰۰ کارگر و کارمند اخراجی شرکت‌های «آرمه» و «تسا» و شرکت‌های وابسته به‌آن، که از هفته گذشته در دفتر مرکزی شرکت متحصن شده‌اند، اعلام کردند که تا وقتی دولت به‌وضعشان رسیدگی نکرده و حقوق آن‌ها را از کارفرما نگیرد به‌تحصن ادامه خواهند داد.

آنها درباره ماجرای اخراج خود گفتند: «کارفرما در جریان‌انقلاب مارا دسته‌جمعی اخراج کرد. به‌دفتر شرکت‌هائی‌که برای‌آن‌ها کارمی‌کردیم مراجعه نمودیم و خواستار شدیم که به‌سرکار برگردیم، اما کارفرما حاضر نشد کارهای شرکت‌را، که راه‌سازی و ساختمانی است، از سرگیرد. ما ناگزیر به‌مقامات مملکتی مراجعه کردیم، تا حق خود راپگیریم. سرانجام در آخرین روزهای سال گذشته در جلسه‌ای که در وزارت کار تشکیل شد، توافق‌نامه‌ای به‌امضای معاون وزیرکار، کارفرما و نمایندگان کارگران رسید، که طبق آن قرارشد حقوق ما در زمان انقلاب و همینطور مزایائی که به‌ما تعلق می‌گیرد، پرداخت شود. چون کارفرما این موافقت‌نامه را فقط در مورد عده معدودی اجرا کرد، باز دوندگی را شروع کردیم و بعد از ۲ ماه که رفتیم و آمدیم، بالاخره نامه‌دیگری در وزارت‌کار به‌ما رسید، اما کارفرما حاضر به‌پرداخت نشد و کارما هنوز به‌نتیجه‌ای نرسیده است.»

در قطعنامه‌ای که کارگران متحصن منتشر کردند، خواست‌های زیر آمده است:

۱. تمام کارگاه‌هائی که ناتمام هستند، شروع بکار کنند و برای این منظور از کسانی استفاده شود که قبلا در این شرکت شاغل‌بوده‌اند.

۲. باکسانی که مازاد بر احتیاج هستند، به‌نحو عادلانه‌ای تسویه حساب شود.

۳. باپك برنامه‌ریزی انقلابی و سریع، کلیه ماشین‌های شرکت، که مازاد براحتیاج کارگاه‌های ناتمام‌اند، با کمك دولت برای‌اجرای برنامه‌های ضروری بکار گرفته شود و در پیشبرد این هدف از کارکنان اخراجی استفاده شود.»

تحصن کارگران در سازمان گوشت

عده‌ای از کارگران بیکار کله و پاچه‌گاوی، که درخواست‌دارندبه‌وضعشان رسیدگی شود، از روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت در سازمان گوشت کشور متحصن شدند.

نمایندگان این گروه درباره علت تحصن خود گفتند: «۱۴ ماه پیش شرکت تعاونی گوشت گاوی منحل شد و اداره امور این شرکت به سازمان گوشت محول گردید. این سازمان قبول کرد که کارگران شرکت تعاونی گوشت گاوی را به‌آن سازمان منتقل کند ولی مسئولان سازمان گوشت تاکنون از این‌کار سرباز زده‌اند. ما برای گرفتن حق خودبه‌وزارت کار رفتیم و این وزارتخانه به‌نفع ما رای لازم‌الاجرا داد، اما هنوزبه‌مشکل ما رسیدگی نکرده‌اند.»

کارگران متحصن می‌گفتند: «کارگران ایران در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بزرگی داشته‌اند و ما حالا از تمام مقامات مسئول مملکتی می‌خواهیم به‌مشکل ما رسیدگی کنند.»

خواست‌های رانندگان و کمك‌رانندگان اهواز

رانندگان و کمك‌رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی اهواز و حومه که خواستار ماهانه ۷۵۰ تومان فوق‌العاده‌شغل هستند، دست‌ازکارکشیدند و اعلام کردند تا تامین خواستهایشان به‌سرکار نخواهند رفت. این کارگران خواهان حق مسکن و تحویل زمین برای احداث خانه هستند.

اعتصاب کارکنان «ایران ترمینال» در خرمشهر

کارگران و کارمندان شرکت پیمانکاری «ایران ترمینال» در خرمشهر دست به‌اعتصاب زده‌اند. کارگران و کارمندان اعتصابی که در بندر خرمشهر کارمی‌کنند و مسئول عملیات تخلیه و بارگیری از کشتیها هستند، تقاضا دارند زیر پوشش قوانین استخدامی دولت قرار گیرند. تعداد کارگران اعتصابی بیشتر از ۴ هزار نفر و کارمندان اعتصابی در حدود ۳۵۰ نفر است.

بیکاری کارگران پلاستیك‌سازی «ایران دار» را تهدید می‌کند.

شرکت پلاستیك‌سازی ایران دار از دو شعبه تشکیل شده، که یکی در ساوه و دیگری در خیابان سی‌متری نارمك تهران واقع شده است. تولید عمده این شرکت تهیه انواع ظروف و شیشه‌های پلاستیکی برای انواع شامپو، مایع‌های ظرفشوئی و غیره است.

در سال گذشته، در شعبه تهران این شرکت، ۵۵ کارگر بادستمزد روزانه معادل ۴۵ تا ۵۵ تومان کار می‌کردند. اما از اوایل دی‌ماه گذشته، کارفرما به‌بهانه کمبود مواد، که از آلمان و ژاپن وارد می‌شود، ۱۵ نفر از کارگران را اخراج کرد و کارگران به‌علت نداشتن تشکل سندیکایی نتوانستند در برابر این اقدام خودسرانه کارفرما از خود دفاع کنند. اکنون بقیه کارگران دریافته‌اند که کارفرما قصد دارد کارخانه راتعطیل کند و به‌نزد خانواده خود به‌انگلستان مهاجرت کند و از هم‌اکنون، به بهانه نداشتن پول برای تهیه مواد، زمینه این کار را فراهم می‌کند. در حالی که برخلاف دعاوی کارفرما، طبق محاسبات کارگران، تنها شعبه تهران این شرکت تا قبل از اخراج ۱۵ کارگر فوق‌الذکر، ماهانه لااقل ۸٫۸۲۵٫۰۰۰ ریال سود خالص داشته و هم‌اکنون نیز باوجود تعطیل‌بودن چندین دستگاه، از مجموع دو شعبه تهران و ساوه حداقل ۱۱٫۴۰۰٫۰۰۰ ریال در ماه سود عاید کارفرما می‌شود.

کارگران این شرکت در دوشیفت ۱۲ ساعته کار می‌کنند، که ۴ ساعت آن اضافه‌کار اجباری است. کارگران می‌پرسند: در شرایط پس از انقلاب، که افزایش تولید کارخانه‌ها یك نیاز حیاتی برای‌سازندگی کشور است، تعطیل کارخانه و اخراج کارگران از سوی کارفرما آیا ضدیت با خواست‌های انقلاب نیست؟

راهپیمائی رانندگان بیکار کامیون

در حدود ۵۰۰ نفر از رانندگان بیکار کامیون، در روز۲۵اردیبهشت ماه، از وزارت راه و ترابری به‌طرف وزارت کار راهپیمائی کردند. از فاصله صدمتری به‌وزارت‌کار، رانندگان باشعار «درود برخمینی، مرگ بر کارشکن» وارد حیاط وزارت‌کار شدند.

علت این راهپیمائی، اعتراض به‌وزارت راه و ترابری بود که به آن‌ها کامیون نمی‌فروشد. یکی از رانندگان می‌گفت: «ما حدود ۳۰۰۰ نفر هستیم، در صورتی‌که وزارت ترابری پیش از ۸۰۰ کامیون برای ما درنظر نگرفته است. و این در حالی است که دولت هزاران دستگاه کامیون از شاهپور غلام‌رضا به‌دست‌آورده است. این کامیون‌ها را باید در اختیار ما بگذارند، ولیکن هی امروز و فردا می‌کنند».

رانندگان می‌گفتند: «کارگزاران در این مسئله کارشکنی می‌کنند و مانع کامیون‌دار شدن ما می‌شوند. ما دیگر نمی‌خواهیم برای کارگزار کار کنیم. می‌خواهیم خودمان صاحب اختیار و سرنوشت خودمان باشیم. وزارت ترابری می‌گوید که دولت هنوز اجازه فروش آن کامیون‌ها را نداده است. این رانندگان چند ماهی است که بیکارند و عده‌ای از آن‌ها نیز از شهرستان‌های مختلف به‌تهران آمده‌اند.»

تصفیه در کارخانه سیمان ری

کارگران کارخانه سیمان ری، گروهی از کارکنان این‌کارخانه دولتی را که با رژیم همکاری می‌کردند، اخراج نمودند. در میان اخراج شدگان تنی چند از عوامل رئیس سابق کارخانه نیز وجودداشتند. پیش از این واقعه، مدیر عامل شرکت چکی به‌مبلغ ۲۵۵ هزار ریال برای رئیس فراری کارخانه کشیده بود، اما کارگران با اعتراض و تظاهرات خود موفق شدند این وجه را بنفع کارکنان زحمت‌کش این واحد تولیدی به‌صندوق کارخانه برگردانند.

اخبار دهقانی

روستائیان مازندرانی زمین‌های غصب شده خودرا می‌خواهند

رونوشت قطعنامه کشاورزان قراء زیت‌علیا، زیت‌سفلی، بالومحله، سورین به‌زمین‌نامه، آسپاسر، ورندان، ورکلا به «مردم» رسیده است. آنان اطلاع می‌دهند که فروردین‌ماه کرد هم جمع شده و قطعنامه‌ای را به استانداری مازندران فرستاده‌اند. مهمترین خواست قصد آن‌ها اینست که زمین‌های دشت‌نار، که سابقا ازطرف عبدالرضا پهلوی از کشاورزان‌غصب گردیده، به‌اینان بازگردانده شود. این یك خواست کاملا به‌حق وعادلانه است وهمه می‌دانند که با چه جنایات و اعمال فناری زمین‌های مزبور را پهلوی‌ها تصرف کردند. اینك که قول بازگرداندن اموال غصبی این خاندان کثیف به مستضعفین داده شده، لازمست که هرچه زودتر به‌خواست دهقانان قراء مزبور توجه شود. بعلاوه شاورزان درنامه خود اعتبار طویل‌المدت برای تامین بذر و بذر، سموم و تثبیت نرخ معقول فروش تولیدات و انجام هر گونه اقدامی را توسط نمایندگان کشاورزان قراء نامبرده خواستار شده‌اند، که همه جزئی از یك سیاست خلقی کشاورزی باید باشد. نامه به‌امضای نمایندگان قراء رسیده وبا مهر ستاد انقلاب اسلامی امام خمینی درزیت‌سفلی ممهور شده است.

دهقانان حومه شیراز می‌گویند: «نگذارید سیاست‌های ضد مردمی رژیم پهلوی تکرار شود.»

کرپال، در حومه شیراز، واقع درکنار رود کر شامل ۵۶ روستا با جمعیتی بیش از ۵۵ هزارنفر است که ۳۵ هزار هکتار زمین قابل کشت دارد. براثر سیاست‌های ضد دهقانی رژیم مخلوع پهلوی، عده‌ای روانه شهرهای اطراف وعده‌ای نیز روانه کشورهای عربی شده، کشاورزی وخانه خود را ترك کرده‌اند، درحالی که منابع حاصلخیز و آب کافی، آینده خوبی را برای کشاورزی نوید می‌دهد. بعلت عقب‌ماندگی نحوه کشت ونبودن کمك‌های مادی از جانب دولت ووضع بد بهداشتی و آلودگی آب، وضع زندگی دهقانان بسیار بد بود. دولت‌ها هم بزور حقابه می‌گرفتند.

دهقانان این منطقه، در نامه‌ای با عنوان «نگذارید سیاست‌های ضد مردمی رژیم پهلوی تکرار شود»، پس از شرح وضع خویش می‌نویسند: «منطقه کرپال می‌تواند در جهت استقلال اقتصادی کشور کمك شایانی بکند. ما از دولت کنونی می‌خواهیم وعده خود را انجام دهد. متاسفانه نه‌تنها کمکی بما نمی‌کنند، بلکه وجوهی به‌عنوان حقابه ازما می‌گیرند.» نامه که به‌امضای ۳۸ تن نمایندگان دهقانان رسیده، خواست‌های هفت‌گانه آنان را چنین بیان می‌دارد:

۱. لغو حقابه ۲. پرداخت وام طویل‌المدت ۳. ماشین‌آلات کشاورزی وتعمیرگاه‌های مربوطه ۴. کانال‌کشی رودخانه ۵. ایجاد درمانگاه‌های سیار ۶. خرید به‌موقع محصولات کشاورزی وکوتاه کردن دست واسطه‌ها ۷. ایجاد شبکه برق رسانی.

دهقان پیر جویبار را آواره کرده‌اند

رونوشت نامهٔ عبدالله بایازاده، دهقان ۶۵ ساله منطقه جویبار قائم‌شهر (شاهی سابق)، که اثر انگشت دو زن آن دیده می‌شود، به «مردم» رسیده است. وی شکایت می‌کند که ارباب محل به‌نام منوچهر پاوند، که هنوزهم خود را مسلط برمنطقه می‌داند، به ۵۵ هکتار زمینی که در دست دارد اکتفا نکرده وبه ۵ خویش‌این پیرمرد روستائی تجاوز نموده، وسه خویش وی را تصرف کرده است. که اهالی محل نیز گواهی می‌دهند که این تکه زمین کوچك مال عبدالله بایازاده است. مالك تجاوزکار با زمین‌ها وگوسفندان فراوان همچنان به‌فقرا و زحمتکشان ظلم وارد می‌سازد. دهقان مستضعف به‌کمیته جویبار شکایت می‌نویسد، که ازآنجا به‌کمیته قائم‌شهر می‌رسد و دهقان روانه دادسرا می‌گردد. دادسرا نیز اورا حواله «هیئت کمیسیون ۵ نفری» می‌کند.

این واقعه‌ای منحصر بفرد نیست، بلکه نمونه خروار است. دربسیاری نقاط مالکان بزرگ وزمین‌داران غارتگر حتی به‌کمك چماقداران و تفنگداران، به‌دهات آمده و زمین‌های دهقانان را بزور گرفته و آنان را از ده رانده‌اند. این مالکان بزرگ، که پشت‌اندرپشت تصرف عدوانی کرده‌اند، حالا هم به‌عمل شد انقلابی گرفتن زمین ازدهقانان می‌پردازند. زمین مال دهقانان است. مال کسی‌است‌که آن را میکارد وروی آن کار می‌کند. اصلاحات بنیادی ارضی به‌سود زحمتکشان روستاها یك مسئله حیاتی و مبرم است.

مردم لغو کاپیتولاسیون را تائید می‌کنند...

در دوران رژیم تبه‌کار پهلوی، از طرف امپریالیسم امریکا، بدست شاه مخلوع بر کشور و خلق ما تحمیل شده بود.

این به‌اصطلاح قانون را دولت فرمایشی حسنعلی منصور در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۲،همراه بالایحه ای برای دریافت وام از امریکا برای خرید اسلحه از امریکا، از ماشین خودکار رای‌گیری مجلس گوش‌بفرمان گذراند. این خیانت بی‌پروا به‌استقلال ایران، خشم مقدس مردم را در آن‌هنگام به‌شدت برانگیخت و امام خمینی در بیان اراده استقلال‌طلبانه مردم ایران، نطق پرشوری در اعتراض به‌این تبه‌کاری رژیم پهلوی ایراد داشت و نیز اعلامیه‌ای انتشار داد. در این نطق و اعلامیه، واگذاری مصونیت سیاسی و قضائی به‌مستشاران‌نظامی امریکائی، بدرستی احیای کاپیتولاسیون معرفی‌شد وامام‌خمینی طی‌نطق خود بانگ برآورد که: «معلوم می‌شود برای ما خواب‌هائی دیده‌اند!»

در واقع نیز واگذاری مصونیت سیاسی و قضائی به‌مامورران پنتاگون در ایران، حلقه‌ای بود از زنجیره عملیات اسارت‌گری که ایران را به‌پایگاه نظامی امریکا بدل ساخت، ایران را به‌صورت نوعی ارتش مستعمراتی درآورد و اشغال «خزنده» کشور ما را برای تاخت و تازغارتگران ممکن ساخت.

اینك پتك انقلاب، این حلقه از زنجیره اسارت ملی ما‌را، مانند پیمان سنتو، که حلقه دیگری از آن بود، شکست.

ولی هنوز تمام حلقه‌های این زنجیره جهنمی از هم گسسته نشده است. یکی دیگر از مهم‌ترین حلقه‌های آن، قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا است. در این قرارداد به دولت ایالات متحده امریکا «حق»داده شده است که برای سرکوب جنبش آزادیبخش ملی در ایران (یا بنابر اصطلاح مضحکی که در قرارداد بکار رفته، برای رفیع «تجاوز غیر مستقیم!») ارتش پایران‌گسیل دارد. این قرارداد بسال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) از نمونه‌های آست.

از سوی دیگر، مخالفین انقلاب، ازمیان قشرهائی که پایگاه طبقاتی و اجتماعی رژیم سرنگون شده را تشکیل می‌دادند، ازمیان مامورران و جاسوسان «ساواك» و «سیا» و «موساد»، از میان نیروهای قشری و یا عناصر چپ‌نمای مائوئیستی و تروتسکیستی، از میان وازدگان سیاسی و اجتماعی، هرچند که سرکوب شده‌اند، ولی هنوز مانند خفاشان خون‌آشام در تیرگی‌وتاریکی بهمیدان می‌آیند، با دروغ‌پردازی، شایعه پراکنی، تهمت‌زدن و افترا بستن محیط را در عرصه رقابت آزاد و اندیشه‌ها و مبارزه سالم عقاید و نظریات مسموم‌تر و ناهنجارتر می‌گردانند.

این دو عامل، که هردو فرزندان خلف رژیم تباهی‌آور پهلوی هستند، از سوئی میدان را برای سوء استفاده از آزادی‌های ناشی از انقلاب باز می‌گذارد و از سوی دیگر راه را برای بهانه‌جوئی عناصر معینی به‌منظور محدود کردن آزادی هموار می‌سازد.

گاه آزادی به‌معنای بی‌بند و باری در نشر اخبار (بهتر گفته باشیم، اکاذیب)، خودسری در توضیح و بیان رویدادها و بی‌مسئولیتی در نتیجه‌گیری ها تفسیر می‌شود، حوادث سنندج و گنبد و نقده دگرگونه جلوه‌گر می‌شود، اقدامات‌تروریستی گروه فرقان به‌نیروهای چپ وکمونیست‌ها نسبت داده می‌شود، حزب توده ایران یا دستخوش توطئه سکوت می‌گردد و یا در معرض حملات ناجوانمردانه نیروهای افراطی راست و گروه‌های چپ‌نمای مائوئیستی و تروتسکیستی قرار می‌گیرد، این «آزادی» مردم را گمراه می‌کند، بیان کنندگان آن وابسته است. این دوپاید مجری و پاسدار آزادی اندیشه و آزادی بیان باشند.

ترور و خفقان مسلط در دوران پهلوی، همراه با تبلیغات مردم‌فریب و گمراه‌کننده رژیم مولود آن، نتوانست سدی در برابر اندیشه‌های بارور انقلابی پدید آوردو مانع از نفوذ و گسترش این ایدیشه‌ها درمیان توده مردم گردد. توده مردم، علی‌رغم تمام تبلیغات و دسایس و ترور رژیم، بمماهیت ضد ملی، ضد خلقی و ضد دموکراتیك آن پی بردند و در راه برانداختن این‌رژیم خودکامه و خود فروخته قیام کردند و به‌پیشوائی امام خمینی، این انقلابی‌سرسخت و آشتی‌ناپذیر، بنیاد آن را برافکندند.

ولی حکومت بیش از پنجاه ساله‌این‌رژیم منفور نمی‌توانست آثاری ناهنجار و نا مطلوب در نحوه اندیشه و شیوه بیان آن در میان برخی از نیروها و گروه‌ها و عناصر انقلابی و ترقی‌خواه باقی نگذارد، و ما عوارض این تاثیر نامطلوب را هم اکنون در میان این نیروها و گروه‌ها و عناصر، چه آنان‌

درکنفرانس فدراسیون سندیکائی جهانی...

واژگون گردید، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی ضربه بسیار شدیدی خورده، ولی هنوز به‌کلی از بن ریشه‌کن نشده و پایستی مبارزه علیه امپریالیسم و بازماندهای نظام سابق در تمام زمینه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، اداری، اجتماعی و فرهنگی تا پیروزی کامل و بی‌بازگشت انقلاب ادامه یابد. کنفرانس سخنرانی نمایندگی کارگران ایران را با دقت، علاقه‌مندی و مسرت بسیار استماع نمود.

بسیاری از دیگر سخنرانان، از نمایندگیهای کارگران کشورهای مختلف جهان، ضمن تاکید برلزوم همبستگی کارگران چه در هر کشور و چه در مقیاس جهانی، لزوم مبارزه گسترده در راه صلح، پشتیبانی از مبارزات و حقوق خلق فلسطین، محکوم‌ساختن قرارداد جداگانه سادات ــ بگین، محکوم‌کردن حمله چین به‌ویتنام، از انقلاب ایران با قاطعیت پشتیبانی کردند و آنرا ضربه سختی برامپریالیسم، به‌ویژ امپریالیسم‌امریکا، در منطقه ارزیابی کردند و پیروزی انقلاب را به کارگران و خلق ایران شادباش گفتند.

نمایندگی کارگران ایران در جریان کنفرانس با نمایندگی‌های سندیکاهای کشور های متعددی، از جمله ویتنام، کوبا، فلسطین، لبنان، ترکیه، پاکستان، کامبوج، شیلی و افغانستان به‌گفت‌وگو نشستند. همه این نمایندگیها علاقه‌مند بودند روابط تردیکی با اتحادیه‌های کارگری ایران داشته‌باشند. نمایندگی روابط سندیکائی ایران در این گفتگوها توضیح می‌داد که کارگران ایران در کار تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها هستند و مسئله عمده کنونی جنبش سندیکائی ایران تشکیل اتحادیه سراسر کشوری است و کوشش کمیسیون روابط سندیکائی ایران در همین جهت است.

هیئت نمایندگی اتحادیه کارگران شیلی در گفتگو با نمایندگان ایران اظهارداشت که دولت کودتائی پینوشه، ۲۸ درصد نفت مصرفی شیلی را از ایران دریافت می‌دارد و از سندیکای کارگران نفت جنوب ایران درخواست کرد که درباره قطع صدور نفت از ایران به‌شیلی اقدام کند.

پس از پایان کنفرانس فدراسیون سندیکائی جهانی، نمایندگی کمیسیون روابط سندیکائی ایران از دانشگاه سوفیه، از ساختمان‌های مسکونی نوساز شهر، از مجتمع ذوب‌آهن، از بندر بورگاس و استراحتگاههای زحمتکشان در کنار دریای سیاه، از یك مجتمع کشاورزی ــ صنعتی بازدید نمود. همه‌جا از نمایندگان کارگران ایران پذیرائی گرم و صمیمانه‌ای به‌عمل آمد. در این موسسات مورد بازدید بر عظمت و کارائی نظام سوسیالیستی در ساختمان کشاورزی و صنعتی کشور بلغارستان به‌نحو خیره‌کننده‌ای نمایان بود.

نمایندگی کمیسیون روابط سندیکائی ایران دیداری با رئیس شورای مرکزی اتحادیه‌های زحمتکشان بلغارستان داشت که در آن گفت و گو درباره وضع زحمتکشان بلغارستان و وضع کارگران ایران و نبرد قاطع طبقه کارگر ایران علیه رژیم تبه‌کار پهلوی، نقش قاطع آن در واژگونی این رژیم ننگ‌بار و ضد دمکراتیك به‌عمل آمد.

هیئت نمایندگی ایران همچنین در گفتگوئی با خبرنگار خبرگزاری بلغارستان در پاسخ به‌سئوالی در مورد وضعیت آینده کارگران ایران، تاکید نمود که امام خمینی اظهار داشته است که انقلاب در جهت تامین منافع زحمتکشان است.

حربه ابلیسی تفرقه‌افکنی...

نمون» دیگری ندارد.

مبنای استدلال آنست که هرچه دشمن متفرق‌تر، به‌همان اندازه تمادم درونی بین آن زیادتر، به‌همان اندازه قدرت مقاومت خارجیش کمتر، به‌همان اندازه شانس مابرای درهم کوبیدنش بیشتر.

اسلوب عمل آنست که در سفوف‌یکپارچه دشمن باید به‌دنبال یافتن اختلافها و خرده اختلافها رفت. این اختلافها از جهت قومی، دینی، عقیدتی، اخلاقی، سلیقه‌ای، هدف شخصی و غیره وجود دارد. باید روی این اختلافات تکیه کرد و با حوصله کوشید تا عمیق شود و صف یکپارچه دشمن به‌صفوف متخاصم بدل گردد، که همه به‌جان هم افتند. آن‌وقت، وقت یورش است.

از باستان زمان اهمیت اتحاد و خطر تفرقه را می‌شناختند. شاعر می‌گوید:

«صد هزاران خیط یکتارا نباشد قوتی
چون بهم پرتافتی اسفندیارش بگسلد.»

در مورد انقلاب اخیر ایران، سازمان های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی موافق همین نسخه عمل می‌کنند.

در دوران مبارزه با شاه مخلوع، به قدری درجه بیزاری عمومی از این مردکه دزد و خائن و جلاد، و خانواده پلیدش شدید بود، که تمام تلاش آموزگارها، انصاری‌ها، شریف‌امامی‌ها، امینی‌ها، ازهاری ها و شاپوربختیارها برای پیمان کشیدن شعارهای مختلف مانند «فضای باز»، «قانون اساسی»، «شاه باید سلطنت کند نه‌حکومت» و غیره به‌صخره یکپارچه اراده نفی و مقاومت مردم برخورد کرد و خرد شد و بچاکی نرسید.

در دوره پس از انقلاب، هنگامی‌که عامل متحدکننده، یعنی دربار منفور پهلوی برچیده شده، زمینه برای ایجاد تفرقه مساعدتر شده است. بین گروه‌های مذهبی و گروه‌هائی که با ایدئولوژی‌های عرفی سیاسی عمل می‌کنند از یك‌طرف، در درون گروه‌های مذهبی و در درون گروه‌های دیگر مابین انواع سازمان‌ها و جریان‌ها از طرف دیگر.

سیاست تفرقه‌افکنی به‌همه وسائل ممکن دست‌می‌یازد: سقطها، شایعه، تحریك، ترور، تفتین، خرابکاری، زیرا برای نیل به مقاصد شیطانی، همه وسایل شیطانی مجاز است.

سیاست تفرقه‌افکنی از مشکلات عینی بهره‌جوئی می‌کند. انتقال از جامعه وابسته شاهنشاهی به‌جامعه ملی و دمکراتیك کار آسانی نیست. این انتقال به‌زمان نسبتا طولانی نیازمنداست. در جریان این انتقال باید دهها و صدها مسئله به‌فرنج حل شود؛ برای این انتقال باید صدها و هزارها کادر تازه به‌میدان آیند و کادرهای نامناسب جابجا شوند؛ برای این انتقال باید اسلوب های تازه‌کار اندیشیده شود و غیره و غیره.

در پاره هریکی از این مشکلات، درباره هرناکامی، هرخطا، هرزیاده‌روی، هراشتباه (که ناگزیر پیش می‌آید) امپریالیسم ــ این کارگردان کل تفرقه‌افکنی ــ به‌دست عمال رنگارنگ خود جنجال راه‌می‌اندازد، از «واقعیات» استفاده می‌کند. اشك‌تمساح می‌ریزد. ندبه و زاری برای قانون و دمکراسی و انسانیت و ایران و فرهنگ و استقلال آن بلند می‌کند. گاه از «چپ» می‌کوبد، گاه از راست، گاه از میانه. گاه در جامه مذهبی، گاه عرفی، همه‌جا شمشیر نفاقش گرم کار است.

این یك نکته بی‌چون و چراست که انقلاب ایران، در این دوران نیز به‌وحدت عمل نیازمند است. این وحدت عمل در این دوره دوم انقلاب ایران نیز، مانند دوره اول، تنها می‌تواند در زیر رهبری امام خمینی تحقق پذیرد. خواه‌شاءبخواهید، خواه نخواهید، اگر واقعاآرزومندپیروزی انقلاب هستید، مطلب را تاریخ بدین شکل طرح کرده است.

انقلابی واقعی تابع مصالح عملی تاریخی است نه سلیقه‌ها و خواست‌های شخصی. اگر قرار باشد کسی عمده را به‌جای غیر عمده بگذارد، فریب ظاهر آراسته و باطن پلید را بخورد، آنگاه دیگر حتما به‌افراد مساعدی در دست کارگردان کل تفرقه‌افکنی بدل می‌شود: دقت، گوش بزنگی، بصارت، دوربینی، اینست روش اصولی، اینست خواست روزگارا

ما به‌همه قشرهائی که به‌انقلاب ایران علاقه‌مندند، از کارگران برسرکاریا بیکار، از دهقانان، از کارمندان، از روشنفکران و دانشجویان، از پیشه‌وران و بازرگانان و دیگر قشرهای سرمایه‌داری ملی زنهارباش می‌دهیم:

در جنبش انقلابی ایران، با هر عقیده و مذهب که هستید، اجازه ندهید که بحث و اختلاف نظر سالم و دمکراتیك، به‌مخاصمه و تفرقه منجر شود. مباحثه و مناظره سالم و خلاق ــ آری، مخاصمه مضر و خانمان برانداز و انقلاب شکن. نه، نه و یکبار دیگر نه!

این جریان شوخی نیست. امپریالیسم باکی ندارد که ایران را بیروت‌وار و لبنان‌وار به‌سرزمین سوخته بدل کند. شعارش اینست: «اگر برای من نیست، برای احدی مباد!» این مردم ایرانند که باید در این شرایط، رشد، درك حس مسئولیت، قدرت تشخیص، توجه به‌عمده و انصراف از غیر عمده را نشان دهند و اینکار را تا دیر نشده بکنند:

«پشیمانی آنگه ندارت سود
که برخیزد از بوم آباد دود.»

امپریالیسم را درویش‌نام دیده‌اید؟ پس امپریالیسم را در ایران فراموش نکنید!

از کمك شما سپاسگزاریم

دوست گرامی‌آرش ازکازرون، مبلغ ۴۴۵۵ تومان کمك شما رسید. سپاسگزاریم.

مادران شهدا...

کمینه بردند، زیر بدترین و غیرانسانی‌ترین شکنجه شهید کردند. خواهرش توانست بعد از تلاش زیاد جنازه او را ببیند، پیشانی او سیاه شده و در شقیقه‌اش آثار برق، و ناخن پایش سیاه شده بود. حضرت آیت‌الله آنچه ضجه زدیم، جنازه را بما ندادند. وقتی در سوگ فرزندم مجلس روضه‌خوانی ترتیب دادم، به‌خانه‌ام حمله کردند و تمام میهمانان را که اغلب خانواده‌های شهدا وزندانیان بودند از کوچك و بزرگ حتی کودکان خردسال را به کمیته بردند، زیر فشار قرار دادند که شما حق ندارید برای فرزندتان مجلس سوگواری ترتیب دهید. من مادر از دادگاه انقلاب اسلامی می‌خواهم با این مدرك که در تقویم فرزندم با خط خودش نوشته شده و رونوشت آن تقدیم می‌گردد، به پرونده سروان آذری و پاسبان عبدی‌رسیدگی شود و این دو که ظاهرا از چنگال عدالت توانسته‌اند فرار کنند تنبیهی شایسته اعمالشان بشوند.

حضرت آیت‌الله، ما کینه‌توز و انتقام‌جو نیستیم اما خواستاریم که عدالت اجرا شود. مردم ایران از این که نسبت به عناصر و اعضای سازمان مخوف ساواك ناهل به‌خرج داده می‌شود، دچار نگرانی و دلهره هستند. در حالی که آن‌ها با کمال وقاحت جهت دریافت حقوق و مزایا و تعیین تکلیف‌خویش به نخست‌وزیری مراجعه می‌کنند. حقوقی که در ازای شلاق زدن زیر «آپولو» گذاردن، آویزان کردن و ناخن کشیدن و بالاخره آدم‌کشی دریافت می‌نمودند. آن‌ها مایلند از تخصص آنان که شکنجه و آدم‌کشی است استفاده شود. این‌توهین به‌انقلاب ملت ایران، توهین به رهبری انقلاب و توهین به‌حکومت موقت انقلابی است. مگر نه اینست که می‌شنویم ساواکی‌های فراری در خدمت پلیس مصر و اسرائیل درآمده‌اند، پس چه‌به‌جاست «مفسد فی‌الارض» در مورد این آدم‌فروشان حرفه‌ای.

ما مادران از آن رهبر عالیقدرخواستاریم، کلیه عناصر و افراد ساواك در گوشه و کنار این مرز و بوم دستگیر و به‌دادگاه‌های انقلابی سپرده شوند. ما خواستاریم دادگاه های این جنایت‌کاران علنی باشد تا امکان مراجعه شاکیان و شهود فراهم باشد. ما خواستاریم در سطح کشور این‌گونه عناصر شناخته شوند تا امکان هرگونه فعالیت ضد انقلابی و ضدمردمی در آنان سلب گردد. آرزو داریم نه‌تنها علت ایران بلکه سایر مردم تحت ستم جهان از گزند این آدم‌کشان حرفه‌ای محفوظ باشند.

با آرزوی عمرطولانی و سلامت برای آن وجود مقدس

و با درود به دادگاه‌های انقلاب اسلامی

مادر پرویز حکمت‌جو، مادر رضایی‌ها

(زهرا رضایی)

ما ضمن تایید خواست این مادران داغدیده، پای‌بار دیگر تاکید می‌کنیم که برای جلوگیری از فرار جنایت‌کاران از چنگال عدالت، لازم است که از تمام شهود و خانواده‌شهدا، بدون‌مرزبندی‌ایدئولوژیك، در دادگاه‌ها استفاده شود تا حقی از کسی ضایع نگردد.

اعدام‌های انقلابی...

وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: محکومان دادگاه‌های انقلابی‌کسانی هستند که درکشتار، شکنجه، سلب آزادی، اختناق، خفقان، سانسور و ترویج فساد در زمین شرکت داشته‌اند و نه‌تنها ثروت‌مملکت را برباد می‌دادند بلکه موجب فساد در زمین می‌شدند. گرچه ممکن است بعضی از این‌ها مستقیما در شکنجه کردن مردم‌شرکت نکرده باشند ولی جنایات افرادی نظیر هویدا‌ها، نصیری‌ها و یا جهانبانی‌ها بسر هیچکس پوشیده نیست.

وی گفت: هویدا برای نجات خود مبلغ یك میلیون تومان رشوه پیشنهادکرده بود اما دادگاه‌های انقلاب همچنان که به باندهای «عقرب» و اکیپ خرابکاری‌ساواك رحم نکرد، به هویدا نیز رحم نکرد.

آیت‌الله خلخالی شرکت‌وکلای مدافع را در دادگاه‌ها رد کرد و گفت: این‌ها می‌خواهند با گشتن دنبال ماده قانون وقت دادگاه‌ها را بگیرند و مردم را معطل کنند.

او گفت: در میان کسانی که به‌محض دستگیری اعدام خواهند شد باید ازبختیار آخرین نخست‌وزیر شاه، اویسی، پالیزبان، نهاوندی، اردشیر زاهدی و فریده دیبا و شریف امامی نام برد. آیت‌الله خلخالی گفت از عفو عمومی هم خبری ندارم.

او جرایید خارجی را متهم کرد که با انقلاب ایران سر عناد دارند. او گفت ما نقشه تمام امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را نقش برآب می‌کنیم. دست‌های آن ها را قطع کرده‌ایم.

او گفت دادگاه نورنبرگ کسانی را محاکمه می‌کرد که هیچوقت تیر و تفنگ به‌دست نگرفته بودند اما همه آن‌ها در ردیف هیتلر بودند. هیتلر ایران یعنی شاه نیز عوامل و ایادی داشت که سیاست‌های جنایت‌کارانه خود را از طریق آن‌ها اعمال می‌کرد.

آیت‌الله خلخالی در قسمت دیگری از سخنانش گفت: «دستگیری پسران آیت‌الله منتگیری باید سرمشقی باشد برای همه مردم ایران. من دیشب به او تلفن کردم. او کاملا ناراحت بود می‌گفت پسر من اگر مقصر است باید مجازات شود. تا زمانی که دست‌های اف. بی. آی ــ ساواك وسیا و امپریالیست‌های مختلف از ایران قطع نشده ما خون می‌دهیم و تسلیم نمی‌شویم.»

آیت‌الله‌خلخالی گفت ازنظر شرعی‌هرکس مجرم شناخته شود غذادادن به‌او حرام است و به‌همین جهت به‌محض صدور حکم این گونه افراد را در برابر جوخه‌های انقلاب قرار می‌دهیم.

در قرآن این مسئله مطرح نیست که حتما وکیلی باید برای متهم در نظر گرفته شود دست‌های زیادی بودند که می‌خواستند مثل دادگاه‌های غربی هویدا و نصیری و مقدم محاکمه شوند ولی ما این دست‌ها را قطع کردیم.

مثلا اتقانیان به‌دادگاه پیشنهاد کرده‌بود که محاکمه‌اش به تاخیر بیفتد و درعوض ۵۰۰ میلیون تومان بدهد، ولی دادگاه قبول نکرد.

در هنگام محاکمه سردمداران بزرگ‌رژیم طاغوتی ما احساس می‌کردیم فشارهایی بر دادگاه‌ها هست.

در دادرسی‌های مربوط به امیرعباس هویدا و سپهبد نامر مقدم شدیدا این فشارها احساس میشد ولی دادگاه‌ها با کمال رشادت مقاومت کردند و دست‌های مرموزی می‌خواست آن دو را از چنگ عدالت بیرون کنند ولی ما بی‌پروا عمل کردیم و حکم الهی را درباره تبهکاران اجرا نمودیم.

به پخش هرچه وسیع‌تر «مردم» کمك کنید

کمك به‌توزیع و پخش هرچه‌وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی‌حزب توده ایران، یك وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه ازتهران یا هریك از شهرها و روستاها،امکاناتی دارند، تقاضاداریم با دفتر مرکزی «مردم» تماس بگیرند.

برنده‌تر باد تصمیمات دادگاه‌های انقلاب...

همه می‌دانند که چه خیانت‌هائی اینان به‌وطن ما کرده‌اند، چه جنایاتی در حق فرزندان خلق‌های ما روا داشته‌اند، چه‌غارت‌گریها و دزدی‌های باور نکردنی مرتکب شده‌اند، چه بی‌ناموسی‌ها و مفاسدی انجام داده و چه اختناق بی‌سابقه و چاپلوسی شخصیت‌کشی را به‌راه انداخته بودند، تا هویت انسانی وایرانی ما را مسخ ونابود کنند.

مردم ایران با معرفت کامل و با حس مسئولیت نسبت به‌آیندهٔ میهن خویش، آتش خشم مقدس خود را متوجه این افراد می‌کنند برای نجات جامعه ازبند این‌همه جنایت و فساد، این‌همه خیانت وتباهی، باید همه عناصر وعوامل امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع را از بیخ وبن برکند. این حکم انقلاب ماست. انقلابی گرم از آتش‌خشم مقدس و روشن از آگاهی به علل عمیق وضع گذشته.

همچنان‌که در پیام منتشره به‌نام دادگاه‌های انقلاب گفته شده، شجرهٔ خبیثهٔ مفسدین باید با تمام ریشه‌ها وساقه‌ها و شاخه وبرگ‌ها و میوه‌ها و جوانه‌هایش قطع شود، وگرنه کشورما روی آسایش نخواهد دید وانقلاب ما به هدف آزادی واستقلال نخواهد رسید، و گرنه کار نیمه تمام ومثله شده باقی‌خواهدماند و راه برای نوعی بازگشت به‌نظام طاغوتی، اگرچه با سیمائی دیگر، باز خواهد ماند.

آرا، و تصمیمات انقلابی دادگاه‌ها گام‌هائی است بس مهم درجهت اتمام آن کار وبستن این راه. به‌همین جهت هم از پشتیبانی گرم همه مردم برخوردار. این پشتیبانی آگاهانه است نه احساسی، بدانگونه که تصمیمات‌دادگاه‌ها آگاهانه است نه انتقامی. در همان‌پیام با روشن بینی وبا هشدار واعلام خطری بجا گفته می‌شود: «ریشه این شجره خبیثه هنوز در خاك فساد‌خیز امپریالیسم ورژیم غارت‌گر وسرکوب کننده شاه، آهنگ رشد دارد... باید نظام ولایت امپریالیسم از سر زمینمان ریشه‌کن شود وجلادان وغارتگران رژیم زائیده و پروردهٔ رحم متعفن امریکا و انگلیس بدانند که ما زنده‌ایم».

این آگاهی و درایت نشان می‌دهد که خلق ما و دادگاه‌های انقلابی، که تبلور خشم و آگاهی انقلابی آن‌ها هستند، نه با کوری و تعصب، بلکه با زوش بینی و منطق به ریشه‌ها، به آنچه عمده است، به‌هدف اصلی توجه دارند وهمچنان‌که پیام می‌گوید، عمال زر و زور وتزویر، این سه ستون شیطانی رژیم مخلوع را هدف قرار می‌دهند. در این جهت است که به‌گفته امام خمینی، رهبر انقلاب، باید استقامت داشت، استقامت ووحدت، تا پیروز شد.

پیام دادگاه می‌گوید: «اتقانیان از طبقه حاکمه بود، او خود شاهی بود. شاه خائن رفت، ولی شاهانی که در دامنش ودرظل‌حمایتش پرورش داد وتیمار کرد هنوز نرفته‌اند.» چه سخن درستی و چه هشیاری بجائی در برابر خطر همچنان موجود و فعال. برای همهٔ مردم زحمتکش، افق آینده کشور امید بخش نواند بود، اگر با همین پیگیری واستقامت، نبرد علیه «شاهان» و «پروردگان رحم متعفن» امپریالیسم ادامه یابد، شعار «مرگ برشاه» تمام معنای عمیق وهمه جانبه وریشه‌ای خود را متجلی سازد.

اطرافیان «کارتر» فریاد «وای آزادی»برآورده‌اند، بلندگویان مناخیم بگین جنجال به‌راه انداخته‌اند، پادوهای شاه مخلوع به‌یاد جان انسان و حقوق بشر افتاده‌اند، بقایای وصلت نامشروع امپریالیسم و سلطنت و ساواك، که پس از آنهمه تبهار، اکنون بیمار به کنج کنام خزیده، ولی هنوز نرفته‌اند، بلرزه افتاده‌اند، در حالی‌که منتظر فرصت‌اند تا به‌مردم ضربه زنند وانقلاب وهبهٔ انقلابیون را، در هر دسته و گرایشی، در دریای خون خفه کنند. چرا؟ برای این‌که هدف اصلی دادگاه‌های‌انقلاب عمال زر و زور و تزویراند، برای این‌که دادگاه‌های انقلاب خصم را به‌درستی تعیین کرده و «خط نشانه اصلی» به‌حق و بجا وبه‌درستی انتخاب شده است.

رئیس دادگاه‌های انقلاب، آیت‌الله خلخالی گفت: «ما تمام نقشه تمام امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها را نقش برآب می‌کنیم و دست‌های آن‌ها را قطع می‌کنیم.» درمیدان این هماوردی مرگ و زندگی بین انقلاب و ضد انقلاب، هیچ انقلابی اصیلی به فرعیات نمی‌چسبد، فریب بهانه‌ها را نمی‌خورد، دشمن عمده را فراموش نمی‌کند و «نشانه اصلی» را بدرستی برمی‌گزیند.

برباد باد نقشه‌های مثلث خبیثه امپریالیسم ــ سلطنت ــ ساواك!

برنده‌تر باد تصمیمات دادگاه‌های انقلاب، این تبلور خشم‌وآگاهی انقلابی توده‌ها!

گلوله بی‌ایمان شما...

می‌شود و در انتظار توطئه‌ای جدید علیه هم «من» و هم «تو» و هم «او» ثانیه می‌شمارد. اینهمه اجساد کثیف و خبیث که سالها با دستهای آهنین کارخانه‌ها و ماشین‌های وابسته به‌رژیم و آمریکا و اسرائیل و هژمونها و پهلوی‌ها و ... خون میلیون‌ها زحمتکش و مستضعف را می‌مکید، همچنان برجای و برپای و افسوس که گلوله کور تو راه انحراف می‌پوید و خونهای مطهر را برخاك می‌ریزد و نه‌قلب فرعون دربدر تاریخ که قلب امت یعنی قلب امام را می‌نوازند. اگر با سلاح تازه به‌دست آمده‌ات (که حق هم داری) میل به‌تمرین و ممارست و ارضاء احساس انقلابی‌ات یافته‌ای و اگر تروریسم را تمرین می‌کنی پس لااقل..!! اینهمه جلاد کمیته ساواك اینهمه ملاء و مترف در داخل و خارج مرزها، اینست پیام دادگاه: خط نشانه‌اصلی اینجا است. مسلسل اینجا می‌غرد. اینجا که فریدون شادافرا شاهین جلادان کمیته محاکمه می‌شود. اینجا که شادمانی (اسفندیاری) و نوروزی (امیدیان) به‌بند کشیده شده‌اند. تنگ بر تعصب کور که «دانشی» روحانی نمای مجلس شورا و «امامی» امام جمعه دربار و آنهمه اخبار و رهبان اوقاف‌خور شاه و قاضی‌عسکر وصیت‌خوان درپای چوبه‌های اعدام را که مطرود خدا و خلق و منفور جامعه روحانیت مترقی و اصیل‌اند نمی‌بیند و در سیاهی شب...؟

شاهین و اسفندیاری و امیدیان نام مستعار نام سرباز و شکنجه‌گر زندانهای رژیم. حسن نفر، حمزه تفنگچی، اسداله بختیاری، ایناللو، رستمخانی، حسنی، قلمکاری، قنادزاده، میرانی، کردبچه و نجاتیان مقدس سراکیپهای گشتی ساواك. خط نشانه اصلی هنوز اینجا است.

ای همه مادران و پدرانی که نیمه‌شبها فرزندان دلاورتان را از آغوش خانه می‌کشیدند و می‌ربودند، ای همه زنها و مردهای قهرمانی که پیکر رزمندگان ملت را در کوچه و خیابان آماج گلوله‌های ماموربن ساواك و اکیپ‌های گشتی می‌دیدید، ای همه اقشار ملت مستضعف که سالها و سالها رهبران و پیشوایان و پیشتازان و مبارزان و مجاهدانتان را در پس سیم‌های خاردار و دیوارهای بلند استبداد و زیرزمین‌های شکنجه و بندهای کشتارگاهها و سلولهای کمیته و اوین و قزلقلعه و قصر به‌بند بند اختناق و ستم کشیدند پاسخ دهید: چه‌کسانی این دستگاه عظیم و این ماشین جهنمی‌غارت‌وسرکوب را بر ملت ما مسلط کردند؟ دادگاه انقلاب تاکنون درپی آن بوده است که مهره مهره این ماشین‌عذاب و رنج پنجاه ساله را از هم باز کند و هسته این‌دستگاه را متلاشی‌سازد. اعدام انقلابی این مهره‌ها است که اشك تماسح از چشم حقوق بشر سرازیری‌می‌کند و دل امپریالیسم خونخوار را به‌درد می‌آورد.

شکارچیان آزاداندیشان

شناسنامه این معدومین و تیرباران شدگان دادگاه انقلاب شما هیچ نیست جزشناسنامه رنجی که بر شما رفته است. در میان این اعدام شدگان اخیر آنچه بیش از همه توجه مارا جلب می‌کند وجود شکنجه‌گران است و شکارچیان گروهی از اینان در شکارمبارزین و مجاهدین تخصص داشتند. پرسرهرکوی و برزن تله می‌گذاشتند. کوچه و خیابان را وجب به‌وجب می‌پائیدند، بومی‌کشیدند. در پس هردیوار، درون هر ماشین به‌انتظارشکار می‌نشستند مسلح به‌مسلسل و جلیقه‌های ضد گلوله، مسلح به‌بمب و نارنجك و بیسیم وهمه امکانات. دام بر راه شیرمردان و شیرزنان می‌نهادند. بدام می‌انداختند و چهبا که در همین تعقیبها پاکترین فرزندان و جوانان دلاور خلق شهید می‌شدند. بخاطر اینکه زیر شکنجه‌ها ذره‌ای اطلاعات در اختیار ساواك قرار نگیرد قرص سیانور می‌خوردند، زهر و گلوله را بجان می‌خریدند و خون پاکشان را به‌مردمشان و به‌خدایشان هدیه می‌کردند. در همین نبرد های خیابانی و کشت و تعقیبها بود که شما می‌شنیدید خرابکاری کشته شد، خرابکاری خودکشی کرد، بیگناه‌ای دستگیر و زندانی شد.

شکارچیان بدام می‌انداختند و خونخواران یعنی بازجوهای ساواك منتظر بودند تا شکار را وارد کنند.

قاتل گروه ۹نفری و مسؤول تعقیب دکتر شریعتی

اینهمه فرصت‌ها و امکانات را سرویس‌های «سیا» و مغزهاوبازوهای مزدوراداخلی‌اش امثال دکتر عطاپور (حسین‌زاده) قاتل گروه ۹ نفری و مسئول تعقیب دکتر شریعتی فراهم آورده بودند. طراحان رژیم در حدود سال ۵۰ بود که یکبار احساس کردند جریان مبارزه ایران از سطح به‌عمق کشیده شده و اوج میگیرد. مبارزه اوج یافته‌ای که ضمنا به عمق نیز راه یافته باشد. چنین بود که تصمیم گرفتند نیروهای پراکنده رژیم را در یك جبهه واحد استکباری بسیج کنند. از نیروی ارتش و شهربانی و ژاندارمری و ساواك دستگاه جهنمی مخوفی بوجود آوردند و تحت عنوان «کمیته مشترك‌ضد خرابکاری» (واقع در حد فاصل خیابان سپه و فروغی) تمام قوای شیطانی خود را علیه جبهه مبارزه خونین خلق بکار گرفتند. کمتر کسی از مبارزین و مجاهدین است که در کمیته مشترك بازپرائی نشده باشد. شاید این بزرگترین دردی بود که بر جان یك زندانی شلاق‌خورده افتاده بر کف سلول پر از چرك و خون کمیته سنگینی میکرد که او در وحشیانه‌ترین زندان که شاید در سطح جهانی مقام اول را داشت، بیدترین وجهی اسیر بود و در دو قدمیش میدان تویخانه بود و انبوه مردم ظاهرا ساکت و بیخبر. بیخبر از آنچه در کشتارگاه کمیته و در فاصله دوسه قدمیشان می‌گذشت. دقت کنید. درست در سالهائی که بسیار افراد و دسته‌جات می‌کوشیدند تا با دعاخوانی و ناگوئی پادشاه اسلام پناه جبهه جهاد ملت را به‌تفرقه کشانند و تضعیف کنند کمیته مشترك بعنوان بالاترین سمبل تمرکز جنایت و تراکم خیانت و با دقیق‌ترین و فنی‌ترین و سیستماتیك‌ترین شیوه‌های ضد مردمی عمل میکرد. مثل یك دستگاه اتوماتیك مثل یك ماشین...

چه‌کم‌اند عبرت‌آموزان

این بود که در آن سال‌ها هرروز خبر از کشتهشدن خرابکاری می‌آمد یا خبر از حمله یك تروریست با نارنجك به‌خط محاصره ماموربن. این‌بود که می‌شنیدیم یك مبارز وقتی در محاصره قرار گرفت با هدیه‌ای از مواد منفجره به‌قلب اکیپ‌های محاصره کوبید، خود را شهیدکرد و چند نفر از افراد اکیپ را نیز بخاك هلاك افکند. آری چنین بود که در قزوین وقتی خانه‌ای محاصره شد و پیرزنی که به‌مهمانی دخترش آمده بود همراه دامادش با رگبار مسلسل کشته شدند و بعد معلوم شد خانه را اشتباهی محاصره کرده‌اند یکبار بلندگوها اعلام کردند دو نفر بی‌گناه را خرابکاران کشتند. چنین بود که مبارزی را شهید میکردند و می‌گفتند خودکشی کرد.

چنین‌بود که‌این اکیپ‌ها نام «عقاب و شاهین و سیمرغ و خوك و خرس وگرگ و دیو» برخود می‌نهادند و به‌قول «کدکنی»: «حتی نسیم را بی‌پرس و جو اجازه رفتن» نمی‌دادند.

تهرانی (نادری‌پور) شکنجه‌گر ساواك می‌گفت بسیاری از این شیوه‌های زجر و شکنجه را سازمان سیا از آخرین تجربه‌هایش می‌گذاشت.

اکیپ‌ها افراد مبارز و مجاهد را دستگیر می‌کردند و با دست و چشم بسته فحش و مشت و لگد وارد کمیته مشترك می‌کردند و در برگهای تنظیمی عملیاتشان افتخار می‌کردند که چه‌کسی اولین تیر را شلیك کرد، چه‌کسی مبارز فراری را شهید کرد و چه کسی چه شاهکارهایی از خود بروز داد. و عجیب که گاهی برای گرفتن جایزه و نشان، کار را بیشتر از آنچه بود بزرگ می‌کردند و دروغ‌هائی (از همان سنخ که از صدر تا ذیل و از شاه تا شاهقلی خصلت ذاتی ساواك بود و سرانجام قربانی همین‌خصلت نیز شد!) می‌بافتند. گوئی آنروز اسناد جنایات خود را برای امروز و برای دادگاه‌انقلاب می‌نوشتند. اینها کیفرخواست‌های خود را علیه خود و با دست‌های خودشان در همان روزها نوشته‌اند و در واقع همین کیفرخواست‌ها است که پیش چشم دادگاه است. راستی زندگی شگفت‌است و سرشار از عبرت و به‌قول امام علی (ع)، ما اکثرا لعبرواقل‌الاعتبار (چه بسیار است عبرت‌ها و چه‌کمند عبرت‌آموزان).

فرد دستگیر شده به‌محض ورود به‌کمیته در اختیار واحد بازجوئی قرارمی‌گرفت. بازجو یا شیطان زیبا و با سیرتی (چه‌بگویم؟)، که‌بیش حقیقت می‌پرداخت، «حقیقت»! کشف حقیقت یا شیوه‌هائی که در هیچ رشته‌ای از علوم و فنون متاسفانه بکار نمی‌رود؛ با کابل‌هایی که از رشته‌های سیم بهم پیچیده درست شده بود، با ابزار و آلات برقی، با دست‌بندهای مخصوص، با شلاق‌ها و باتوم‌های الکتریکی، با اجاق برقی، با چنگك‌ها و با هرچه چوب و چکمه و شلاق بود پیکر مجاهدان و مبارزان را بخون می‌کشیدند...

اینست ای ملت قهرمان، اینست سند رنج سال‌های عمر شما و بالاخره این است همان شعاری که در طول انقلاب تکرار می‌کردیم که: این سند جنایت پهلوی است.

اما اینك باید از پیشگاه خلق قهرمان ایران پرسید آیا به‌حقوق بشر» و «صلیب سرخ» و دیگر نازکدلان جهانی اجازه میدهید این جانیان و شهیدکشان را از محکمه عدل اسلامی و از معرض حکم امام خمینی که بتلور رحمت و قهر ملت است نجات دهند و به‌بیغوله‌های جامعه بکشانند؟

از پیشگاه ملت باید پرسید آیا گلوله‌ای که خونهای مطهر را برزمین ریخت نباید در این خطه نشانه‌گیری می‌کرد؟ آیا براستی گلوله آتشین ملت باید اجساد مطهر را گلوله‌باران کند یا ارواح خبیثه را. کدام را؟

باید پرسید کدام گلوله است که بیراهه می‌رود؟ گلوله‌ای که همسنگر را نشانه بگیرد یا آن که سنگر خصم‌را؟ گلوله‌ای که «عامه امت» یعنی «توده ملت» را که بقول امام علی(ع) هسته نیروها و ارتش واقعی و ستون اسلام‌اند هدف‌گیری کند یا گلوله‌ای که سمستون شیطانی زور و زر و تزویر را (تهرانی و القانیان و جعفریان را)؟ (ساعدتمند و خرم و دانشی را)؟

راستی دشمن واقعی و نقابدار مردم ما کیست؟ سربازی که حماقت کرد و فرمان آتش را اجرا کرد یا حبیب‌الله القانیان که آن‌همه سرباز که کشتند و کشته‌شدند خودشان نمی‌دانستند که برای حفظ وجود شریف القانیان‌ها به‌میدان جنگ فرستاده می‌شوند نه‌برای حفظ میهن؟ سربازی که فرار نکرد و فرمان فرمانده را عملی‌کرد آیا می‌داست که اگر به‌او می‌گویند برای «میهن» می‌جنگی در حقیقت برای میهن القانیان‌ها وفرمانفرمائیان‌ها هژربها می‌جنگد؟ آنهم میهنی که شمال و جنوب و شرق و غربش در چمدان اسکناس و ارز و در گاوصندوق حضرات خلاصه می‌شد؟ حکم اعدام کدامیك را باید زودترصادر کرد و از کدامشان باید هراسید: از آن‌که گول خورد و حماقت‌کرد و تنی چند کشت یا ازآن‌که اصلا فلسفه این همه کردنا و کشتارها و زندان‌ها و شکنجه‌ها و خفقانها از ۲۸ مرداد

یاد شهیدان حزب را گرامی بداریم

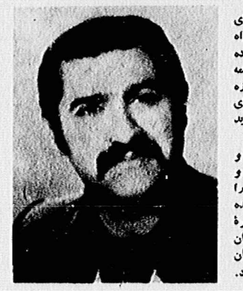

حزب تودهٔ ایران در راه آرمان‌های طبقهٔ کارگر و خلق زحمتکش، در راه آزادی و استقلال ایران قربانی‌ها داده است نام برخی از این جانبازان را همه می‌دانند، ولی نام بعضی از آنان تازه باید با گوش‌ها آشنا گردد و نام عده‌ای دیگر تازه دارد کشف می‌شود و یا باید کشف شود.

«مردم»، با کمك اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان ایران، می‌کوشد مردم را به‌تدریج با این نام‌های کم شناخته شده و یا ناشناس آشنا کند. باشد که خاطرهٔ تابناك این رزمندگان شهید نیزجاویدان گردد و زندگی و پیکار و شهادت‌آنان نیز سرمشق ادامه‌دهندگان راهشان شود.

۲۹ اردیبهشت‌ماه، یك سال از شهادت ابراهیم مفتاح، رزمنده راه حزب تودهٔ ایران می‌گذرد. زندگی کوتاه این فرزند فرزانه خلق، قصیده‌ای از رنج و پیکار بود: جست‌وجوی حقیقت، عشق و جان را در پای آن نثارکردن، از روی جنازه خود گذشتن و از مرگ خویش سرود و درفشی، برای مردمی که آن‌همه دوستشان‌می‌داشت، ساختن...

گفته بود:

«نه‌تنها زندگی، بلکه مرگمان هم باید به‌نفع مردم باشد.»

و این اوج شیفتگی در ایمانی است که وفاداری خالصانه به خلق، محراب و مناجات آنست.

ابراهیم گفته بود:

«گاهی زنده بودن سخت‌تر از مردن است.»

و در این پیام راسخ و محزون، عزم یك شهادت آگاهانه را تفسیرکردن بود: زندگی آنقدر والاست که بخاطر آن می‌توان برشانه‌های مرگ گام گذاشت وقتی مبارزه به‌ایمان تبدیل می‌شود، حتی هجوم به‌مرگ، لبخند و تهنیت به‌زندگی است.

۲۴ سالگی برای مردن زود است، اما ابراهیم به «طول» زندگی نیندیشید، به «عرض» و «معنی» آن اندیشید. وقتی در شکنجه‌گاه از پای درآمد، در زادگاهش، «کردکوی»، عزای او رنگ مراسم مذهبی به‌خود گرفت و به‌قول دوستانش: «از آن پس نظام‌ات و هرجنس اعتراضی در کردکوی، به راه‌پیمائی به‌سوی مزار این شهید ختم می‌شد: مردم یاران و شهدای خود را فراموش نمی‌کنند.»

کودکی ابراهیم در روستاهای اطراف گرگان گذشت. دردها و بی‌نصیبی‌های دهقانان، فشارهای بیرحمانه‌ای که در زیر برق سرنیزه آن‌ها را مچاله می‌کرد، غارت خون و دسترنج آن‌ها، معنی ظلم دژخیمان و طعم کینه به سلاح‌های عدالت و زحمت را به ابراهیم چشاند. وقتی وارد دبیرستان شد، یك مبارز سیاسی بود. زندگی دست او را گرفت و به‌این میدان آوردش. مرگ پدر، تحصیل او را قطع کرد و مسئولیت خانواده را بردوش نهاد، اما در سال ۵۳، با تلاش بسیار وضع خانواده را سامان داد و در دانشگاه مشهد، در رشته ریاضی به‌ادامه تحصیل پرداخت. به‌خاطر شرکت در مبارزات دانشجوئی و تظاهرات سیاسی از دانشگاه اخراج شد و به زادگاهش بازگشت و کار کشاورزی را، که ممر اصلی درآمد خانواده‌اش بود، از سر گرفت. در سال ۵۵، دیگربار وسوسه و شور درس و کلاس در او بیدار شد، اما با وجود آن که در دانشکده آمار وانفورماتیك پذیرفته شد، بهجرم داشتن عقاید سیاسی و عشق به‌سوسیالیسم، عذرش را خواستند. این پیکارجوی جوان، چون ساقه‌های درختان گردوی زادگاهش، سخت و مقاوم بود. یك‌سال بعد با جهد بسیار وارد دانشکده علم و صنعت شد. به کارشکنی‌های ژاندارمری بندر ترکمن، باز ادامه تحصیل دچار وقفه شد، چرا که در قاموس او تحصیل در جامعه‌ای که از بوی گند اختناق سرشار بود، حتی لحظه‌ای نمی‌توانست از مبارزه در راه آزادی جدا باشد.

ابراهیم در جست‌وجوهای طولانی خود، راه حزب تودهٔ ایران را برگزیده بود، راهی که به‌قول او «هرجویش با خون و معرفت انقلابی فرش شده است» و این گناهی نبود که رژیم خونخوار آریامهری در آن بیخبایند. وادارش کردند تا خود را به‌نظام‌وظیفه معرفی کند. روز جمعه ۲۹ اردیبهشت‌ماه وارد پادگان نیروی‌هوائی فرح‌آباد تهران شد و ۷ ساعت بعد جسد خونین او به آثار ضرب و زخم و شکنجه بر آن نقش بسته بود، با لباسی که برتنش چاقچاق شده بود، به‌پزشکی قانونی منتقل گردید، به‌شکایت خانواده ابراهیم درباره این جنایت بیشرمانه هرگز پاسخی داده نشد. خون توده‌ای‌ها در عرف نظام شاهنشاهی مباح بود، این خون جوان هم در همان جویبار مقدسی به‌جریان افتاد که از رگ‌های تناور ارانی برچشمه گرفته بود و نبض روزبه و سیامك و حکمت‌جو و تیزابی و تورج حیدری بیگوند در آن می‌تپید...

یادش گرامی و خاطره‌هایش الهام‌بخش و پرتپش‌باد!

فعالیت سالم سندیکائی را...

این طبقه مسائل اجتماعی را، آنطوری‌که انقلاب مطرح کرده است، نمی‌توان حل کرد. همانطوری‌که جنبش کارگری در واژگونی رژیم نقش بسیار مهم و در آخرین لحظه قاطعی به‌عهده داشت، برای بازسازی جامعه در جهت استمرار انقلاب نیز این جنبش می‌تواند وزنه تعیین‌کننده‌ای باشد. تحقق این امر متلازم وجود سازمان سندیکائی واحد برتاسری است، که هم نماینده متشکل نیروی طبقه کارگر و هم هدایت کننده آن در جهت تامین منافع ملی باشد. این سازمان واحد از اتحادیه‌ها و سندیکاهائی به‌وجودمی‌آید که هر یك از این اتحادیه‌ها و سندیکاها متشکل کننده کارگران واحد تولیدی خود هستند. ضمن این‌که سندیکاها تنظیم و حل و فصل مبارزات واحد خود را به‌عهده دارند، که مستقلا به‌آن می‌پردازند، سازمان واحد برتاسری به‌هماهنگ‌کردن این مبارزات و به‌مسائل کارگری در سطح مملکت می‌پردازد.

در شرایط فعلی، جنبش انقلابی ما فاقد چنین سازمانی است و این یکی ازبزرگ‌ترین نقاط ضعف آنست. البته کارگران در گرماگرم نبرد انقلابی ضرورت اقدام برای ایجاد چنین سازمانی را کاملا حس می‌کردند. اما جریان سریع پیشرفت جنبش، مجال چنین اقدامی را به‌کارگران نداد. اکنون این ضرورت برای کارگران به‌صورت محسوس‌تر و فوری‌تری مطرح است. ولی متاسفانه موانع جدی در این امر حیاتی به‌وجود آمده، که از جمله نظر نادرست گروههای چپرو از طرفی و خرابکاری عوامل باقی‌مانده ساواك و عناصر ضد انقلابی از طرف دیگر مسبب آنست، و محصول جنبن وضعی تفرقه، دسته‌بندی و منحرف کردن فعالیت سالم سندیکائی است.

اگر عوامل باقی‌مانده ساواك و عناصر ضدانقلابی به‌تحریکات مداوم خود ادامه می‌دهند، جای تعجبی ندارد، زیرا خاصیت وجودی آن‌ها تضعیف انقلاب و تدارك هجوم به‌آن است و بخش غیر متشکل کارگری نیز یکی از عرصه‌های مناسب جهت خرابکاری آنان است. ولی اقدام گروههای چپرو، که خود را در قبال طبقه کارگر متعهد می‌دانند، جای چون و چرا نیز اثرات منفی درفعالیت‌های سالم‌سندیکائی باقی‌می‌گذارد، که بهیچوجه با ادعاهای آنان منطبق نیست.

ازجمله یکی از این گروهها، در یکی از نشریات خود، که برای کارگران منتشر می‌کند، معتقد است که، سندیکاها قابل «خرید و فروش‌اند» و به‌همین دلیل آن‌را سازمان مطمئنی برای کارگران نمی‌داند و می‌گوید هسته‌های مخفی ۳-۴ نفری، که دارای آگاهی «سیاسی و ایدئولوژی طبقاتی» هستند، باید مبارزات صنفی روزمره کارگری را هدایت نمایند. آن‌هم به‌صورتی که این مبارزات را منطبق با برنامه سیاسی‌خود گردانند. جالب اینجاست که این اظهار نظر در حد توصیه به‌کارگران باقی نمی‌ماند، بلکه آنها در این زمینه وارد عمل هم شده‌اند و می‌کوشند هرکارگری را که با خطمشی آنان موافق نیست، به‌اشکال مختلف از صحنه مبارزه صنفی و سندیکائی طرد نمایند.

البته هرکسی حق دارد که مبلغ برنامه سازمان سیاسی خود باشد، ولی چنانچه

گلوله بی‌ایمان شما...

می‌کنند، و شما به‌طرحی نمی‌اندیشید، به‌خدای سوگند هیچ‌قومی در درون خانه‌خویش، از موضع ضعف به‌پاسخ حملات و تهاجم دشمن برنخاست مگر این‌که به‌خاك شکست و ذلت افتاد».

همین صدای عدالت انسانی بود که از حلقوم تب‌کرفته مسلمان‌های انقلاب زبانه کشید و متعاقب آن اجداد خبیثه محکومین دادگاه عدل اسلامی برخاك غلتید. اینست هدف گلوله‌ها. اینجا است، آنجا که باید نشانه رفت. دادگاه انقلاب با این عمل کم‌بیانگر صفات عدل و قهر خداوندی است پیغامی دارد. پیغامی به‌همه و بویژه به‌آن‌ها که انگشت قدرت برماشه سلاح خویش دارند.

پیغام به‌ملت کبیر اسلام. که سلاح قهر خداوندیتان به‌کندی نگرائیده و تا«روح خدا» در قالب دادگاه دمیده شود و سلاح عزم و توکل «امام» بر بازوی حمایت دادگاه باشد «شجره خبیثه مفسدین» را یاری برپای ماندن و در هوای شد تکامل و ضدانقلاب رشد کردن و سربرافراشتن نخواهد بود. «شجره خبیثه مفسدین». با ریشه‌هایش، با شاخه‌ها و برگ‌هایش، با میوه‌ها و جوانه‌هایش و با ساقه‌اش. مفسدین، انها که‌هیچیك از پدیده‌های فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مادی و معنوی و بالاخره هیچیك از قوای انسانی و منابع طبیعی را نکداشتند در مسیر خدائی تکاملی‌اش رشد کند و به «صلاح» که نتیجه طبیعی و نهائی رشد و کمال است برسد. راه را بر «صلاح» بستند و طبیعی است که «راه» چون برای همیشه مسدود نمی‌شود ناچار بسوی «فساد» میل می‌کند و چنین است که درخت فساد مفسدین ریشه می‌دواند و چنین است که مفسد به‌تعبیر قرآن «ذاتولی سعی فی‌الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل...» چون حکومت و قدرت را بدست گرفتند کوشیدند تا فساد را در زمین گسترش دهند و منابع طبیعی و انسانی را تباه کنند.

در منطق قرآن «هلاك» سرانجام «فساد» است و همین قدرت فسادگستر است که اقوام و تمدنها را نیز به‌هلاك می‌کشاند. و پیغام دادگاه به‌ملت و مستضعفین قهرمان اینست که ریشه این شجره خبیثه هنوز در خاك فسادخیز امپریالیسم و رژیم غارتگر و سرکوب کننده شاه اهنگ رشد دارد و در رگ و پوست خاك‌وطنمان می‌دود و میدواند. می‌بینیم که عبارت «تولی» در آیه شریفه نشان میدهد که نخستین و قویترین مظاهر فساد مفسدین در تن قدرت و «ولایت» جوانه می‌زند. ریشه‌های فساد و مفسد را باید در شجره حکومت ورژیم و نظام سراغ گرفت. و تا نظام و «ولایت امپریالیسم» از سرزمینمان ریشه‌کن نشده باشد چگونه به‌جنگ فساد و مفسد در پیکر یك‌فرد» یك «قربانی‌حکومت و ولایت مفسدین» یا حتی یك جمع برخیزیم.

عمل دادگاه برای جلادان و غارتگران رژیم زائیده و پرورده رحم متعفن آمریکا و انگلیس پیامی دیگر دارد: «ما زنده‌ایم. ما زنده‌ایم ای مردگان متحرك. ما زنده‌ایم ای زباله‌های برجای مانده از شاه. ما زنده‌ایم ای شاهکارهای شاه، ما زنده‌ایم ای‌بدبختها!

گلوله‌های حقیرتان این دستمزدها و حق‌الوسطه (!) ای که از صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها و مستکبرین و منفرین صدقه می‌گیرید تنها ریشه‌های روبه‌زوال خودتان را در معرض انقطاع بیشتر و هلاك سریعتر می‌افکند. گلوله بی‌ایمانتان تیغ بران دادگاه انقلاب را تیزتر می‌کند. خلق را مصمم‌تر و همبسته‌تر، امت را به‌امام نزدیك‌تر و صفها را فشردتر می‌سازد. آنچه نامش را ترور می‌گذارید جز به‌پهای این تمام نمی‌شود که طناب افتاده بر گلویتان را تنگ‌تر کند و سرنیزه کیفر را بمجرای تنفسان فرورفته‌تر. شما با هر ترور احمقانه‌ای حلقه محاصره را علیه خودتان تنگ‌تر می‌کنید. تنکتر باد.

شجرهٔ خبیثه رژیم

و اما پیام اساسی دادگاه جان کلام واصل سخن با مخاطبی دیگر است. در بحبوحه تفرقه‌ها وصف کشیها و غلط‌اندازیها و دامن‌زدن به‌آتش نفاق داخلی، دادگاه شلیك می‌کند، بنام خدا، در پی امام، برای ملت و مستضعفین اسلام و برشجره خبیثه رژیم. در بحبوحه نفاق و سوءظن و تخفیفهای درونی، در هنگامه ناشی از ترورهای سراسرجنایت و خیانت (فرض کنیم از سوی دوست!) که می‌رود تا خط نشانه لوله‌های مسلسل‌های انقلاب سد و هشتاد درجه بچرخد و درون دائره خویش را هدف گیرد، دادگاه انقلاب با غرش رگبار قضاص و «اعتداء متقابل» خط نشانه «اصلی» را نشان میدهد. راستی اگر نه‌خصم بلکه دوستی (که البته بسیار بسیار بعید می‌نماید) و اگر جنون‌جنایت به‌بندت نکشیده است و «ترور» را در این روزگار عملی انقلابی ولابد هم بسیار مشکل و پر زحمت(!) می‌پنداری و کاری از دست «ترور» ساخته می‌بینی، راستی چرا سلاح تازه بدست آمده‌ات را در همان خط نشانه اصلی به‌کار نبردی؟ اینهمه خونهای خبیث که در پیکر جلادان طاغوت انبار است و از این سوراخ به‌آن سوراخ گریزان و مخفی حمل

بقیه در صفحهٔ ۵

قصد خدمت به‌طبقه کارگر در میان باشد، باید بداند که مبارزات صنفی کارگری از مبارزات سیاسی و حزبی جداست و اختلاط این دو فقط میتواند به‌آشفتگی مبارزات صنفی و سندیکائی منجر شود، چنان‌که هم‌اکنون، در نتیجه این روش نادرست چنین‌نتایجی هم به‌بار آورده است.

اگر چنین سازمانهائی متعهد به‌یاری جنبش کارگری هستند و صادقانه می‌خواهند به‌آن عمل نمایند، باید متوجه باشند که جنبش صنفی و سندیکائی وسیع‌ترین شکل مبارزات طبقاتی است، که جهت آن تقابل استثمار و ایجاد رفاه برای کارگران منطبق با شرائط روزاست، که صرف‌نظر از عقاید، سیاسی، ایدئولوژیك و مذهبی، وسیع‌ترین قشرهای کارگری را دربر می‌گیرد. در حالی‌که گروهها و احزاب سیاسی دارای برنامه‌هائی هستند که مبارزات سیاسی ـ اجتماعی را، با جهت‌یابی و ایدئولوژی خاص، دربرمی‌گیرد. پس می‌بینیم که آشکارا نوع فعالیت و مبارزه صنفی و سندیکائی با نوع مبارزه احزاب و گروههای سیاسی متفاوت است.

طبیعی است که جنبش کارگری و سندیکائی نمی‌تواند در مسائل سیاسی و آنچه که در مملکت می‌گذرد، بی‌تفاوت باشد، زیرا جنبش کارگری در شرایط آزادی اجتماعی، که محصول انقلاب است، می‌تواند به‌رفاه خود برسد. بنابراین منافع مستقیمی در حفظ پیروزیهای انقلاب و استمرار آن دارد و آن‌گونه سیاست‌هائی را مورد دفاع قرار می‌دهد که حقوق و منافع طبقه کارگر را دربرداشته باشد.

متمرکز کردن چنین مبارزاتی طبعا از عهده گروه‌های ۳-۴ نفری مجزا و یا حتی بهم وابسته، خارج است و فقط سازمانهای سندیکائی قادر به‌چنین مبارزاتی هستند. این حقیقت را هم‌تجارب بین‌المللی و هم تجارب گذشته جنبش کارگری ما بوضوح اثبات می‌نماید.

اما درباره امکان «خرید و فروش» سندیکاها، آن‌طور که در رژیم گذشته‌ممکن‌بود، در شرایط معین نمی‌تواند امری مسلم باشد، زیرا اکنون ما در دوران انقلاب پیروزمند مردم زندگی می‌کنیم، گرچه انحراف بعضی از اعضاء هیئت‌مدیره و یا تمام هیئت مدیره سندیکا همیشه محتمل است، ولی باین معنی نیست که سندیکا به‌طور کلی غیر قابل‌اطمینان است به‌جای تکیه براین احتمالات و ایجاد تردید درپه‌نم رسیدن فعالیت‌سالم سندیکائی، می‌توان توجه کارگران را به‌این نکته جلب نمود که سازمان سندیکائی را طوری بنا کنند که دموکراسی سندیکائی بر تمام امور سندیکائی مسلط باشد. در این صورت هرگونه انحرافی در نطفه پیدااست و قبل از آن‌که رشد کند و قابلیت صدمه زدن به‌منافع کارگران را پیدا کند، می‌توان آن‌را خفه‌کرد.

خلاصه روش گروههای چپرو در امور کارگری منطقی و اصولی نیست و نادرست است البته هر سازمان سیاسی حق دارد که خواست‌های کارگری را مورد پشتیبانی قرار دهدو می‌تواند کارگران را متوجه نماید که کدام خواست آنان با شرایط امروزی منطبق است و کدام مسئله اجتماعی و سیاسی با خواست‌های کارگران انطباق دارد یا نه، وحتی می‌تواند برنامه‌سیاسی خود را به‌کارگران ارائه دهد. ولی این با خود کارگران است که‌باید چنین توصیه‌هائی را بپذیرند یانه. چنین اقداماتی در زمینه مسائل کارگری نه‌تنها مفید، بلکه لازم هم است، زیرا علاوه بر این‌که باعث خواهد شد که جنبش کارگری مدافعان متعددی داشته باشد، قرارگرفتن سیاست کارگری سازمان‌های سیاسی مختلف در مقابل هم، به‌پرشد فکری و اجتماعی بیشتر طبقه کارگر خواهد انجامید و سرانجام‌به‌رشدسندیکائی نیز کمك خواهد کرد.

چنانچه این‌بی‌طرفی مشروط و عدم دخالت مستقیم در امور کارگری از طرف سازمانها و احزاب سیاسی مراعات گردد، می‌توان امیدوار بود که فعالیت سالم سندیکائی رشد یابد، سازمان سندیکائی واحد سراتاسری به‌موقع به‌وجود آید و جنبش کارگری سهم خود را در به‌ثمررساندن دستاوردهای انقلاب اداء نماید. در غیراین‌صورت محیط‌کارگری بیش از پیش عرصه رقابت‌های گروهها و احزاب سیاسی خواهد شد و نتیجه‌ای جز تکه‌پاره‌شدن جنبش کارگری نخواهد داشت، که آن‌هم فقط بسود ضدانقلاب است.

خودمختاری آری،...

العاده‌ای به‌حل مسئله ملی در ایران داده و می‌دهد، جای کوچك‌ترین تردیدی‌نیست. ولی برای حزب ما مسئله ملی از دونظرگاه که یکی مکمل دیگری است، مطرح بوده و هست: نخست از نظر دستیابی به‌استقلال واقعی، از طریق مبارزه علیه امپریالیسم، و دوم از نظر مبارزه در راه ریشه‌کن‌ساختن هرگونه تظاهر ستم ملی، که از ویژگی‌های عمده رژیم دست‌نشانده امپریالیسم به‌شمار می‌رفت. این دو جهت مسئله ملی جدا از هم نیست. همچنان‌که مبارزه در راه ازبین بردن مظاهر ستم ملی، بدون نبرد سرسخت و پیگیر علیه امپریالیسم و ارتجاع امکان پذیر نیست، نبرد در راه ریشه‌کن ساختن پایگاههای گوناگون جتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی امپریالیسم هم، بدون تامین وحدت واقعی ملی، که عمده شرط آن تامین حقوق خودمختاری‌خلق‌های ساکن کشور ما است، ناممکن است.

بنابراین می‌توان گفت که معضل خود مختاری، ارتباط ناگسستنی با تکامل و پیشبرد انقلاب دارد و مسئله ملی نمی‌تواند به‌صورت تجریدی و انتزاعی مطرح گردد. به‌همین دلیل هم بازشناختن نظرگاه ضد انقلابی از دیدگاه انقلابی در حل مسئله‌ملی ضرورت‌حاد می‌یابد. اگرنتوانیم «انقلابی‌گری» در حل مسئله ملی را، که اینك نیروهای راست در مجموع بدان تظاهر می‌کنند، از برخورد معقول و منطقی تمیز دهیم، بی‌شك درمبارزه دچار اشتباه خواهیم شد.

خلق‌های ستمدیده ایران به‌خوبی‌می‌دانند که مسئله خودمختاری یکی از دستاوردهای عمده انقلاب مشروطیت بود. ولی‌دولت‌های دست‌نشانده استعمار و امپریالیسم، با برچسب «تجزیه‌طلبی» و بزور سرنیزه این حق مسلم را از اقلیت‌های ملی سلب کردند.

به‌تاریخ نه‌چندان دور مراجعه کنیم. در سال‌های ۲۵-۱۳۲۴، مردم قهرمان آذربایجان چه می‌گفتند و چه‌می‌خواستند؟ آیا آن‌ها، چنان‌که دشمنان نهضت دموکراتیك آذربایجان ادعا می‌کردند، خواهان تجزیه کشور بودند؟

در نشریه «۲۱آذر» پاسخ این سئوال صریح و روشن بیان شده‌است. در این نشریه می‌خوانیم: «ما همیشه گفته‌ایم» و حال هم بطور صریح می‌گوئیم که ما به استقلال و تمامیت ارضی ایران به‌طورجدی علاقه‌مندیم. اگر از طرفی به‌آن خللی وارد آید، شاید از اهالی دیگر استان‌های ایران مجدانه‌تر و فداکارانه‌تر اقدام به‌جلوگیری از آن خواهیم نمود. با وجود این، ما هرگز حاضر نیستیم از دفاع از ملیت خود، زبان خود، آداب و رسوم و خصوصیات خود، بشرط خلل واردناشتن به‌کشورمان ایران، صرف‌نظر کنیم»

آیا این بمعنای «جدائی‌طلبی» است که ارتجاع داخلی و عمال امپریالیسم با توسل بدان، نهضت خلق آذربایجان را بخون کشاندند و ده‌ها هزار زن و مرد و کودك را شهید و صدها هزار را روانه تبعیدگاه‌ها ساختند؟

ولی فئودالها، زمین‌داران بزرگ و سرسپردگان رژیم مخلوع، که امروز سنگ آزادی اقلیت‌های ملی را بسینه می‌زنند و در مواردی حتی مسئله «استقلال» آن‌ها را مطرح می‌سازند و می‌کوشند تا از خواست به‌حق خلق‌ها در مورد خودمختاری سوء استفاده کنند، هم آنانی هستند که سی و اندی سال پیش، خودمختاری و تدریس به‌زبان مادری را جرمی نابخشودنی می‌شمردند. مادراینجا فقط بهیك نقل قول از یك دست نشانده محمدرضای مخلوع بسنده می‌کنیم.

سناتور سابق فرخ، که در سال ۱۳۴۶ خاطرات خود را در مجله «سپید و سیاه» منتشر ساخت، در شماره ۱۹ خرداد مجله نامبرده، پس از اشاره به‌اعلامیه معروف ۱۲ ماده‌ای فرقه دموکرات آذربایجان، نوشت: «این اعلامیه ده ماده فریب‌دهنده و خوش‌ظاهر داشت و دو ماده زننده و مشکوك. آن ۱۵ ماده، عده‌ای از مردم آزادیخواه ایران را امیدوار ساخته بود که از سرزمین آذرآبادگان بلند شده و باشد که طلایه عزت و شکوه ایرانیان از آن آوای امیدبخش فراهم گردد. اما آن دو ماده مشکوك و زننده، که یکی اعلام خودمختاری و آن دیگری تدریس زبان ترکی در مدارس بود، که همه امیدواران را مایوس و سپس از نهضت فرقه دموکرات آذربایجان متنفر ساخت.»

ما این شواهد روشنگر تاریخی را برای آن آوردیم تا چهره واقعی این گروه را، که امروز بر‌کاسه گرم‌تر از آش تبدیل شده و در کسوت دفاع از حقوق خلق‌ها، به‌توطئه علیه آنان سرگرمند، فاش ساخته باشیم.

آن‌ها که امروز سنگ حمایت از اقلیت های ملی را بپیش از همه بسینه می‌زنند، همان‌هائی هستند که دیروز نهضت‌خلق‌های آذربایجان و کرد را، فقط برای آن‌که

بقیه در صفحهٔ ۵

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، ازدوستاران حزب‌تودهٔ ایران، پرسش‌هائی در بارهٔ تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به‌مسائل گوناگون پیش می‌آید. ازاین‌پس روزنامه «مردم» ستونی می‌گشاید، زیر عنوان «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، و در این ستون کوشش به‌عمل خواهد آمد به‌پرسش‌هائی که از طرف افراد مختلفی، به‌یکسان و یا تقریبا یکسان مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستاران حزب خواهشمندیم پرسش‌های خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افرادوموسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدید چاپ می‌کنند و به‌فروش می‌رسانند.

بدین‌وسیله به‌اطلاع‌همگان و به‌ویژه ناشران می‌رساند که تجدید چاپ، پخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است.

از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ‌کرده و به‌فروش رسانده‌اند، خواهشمنداست که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آن‌ها انتشار یافته، به‌دفتر «مردم» مراجعه کنند.

ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یاتجدید چاپ‌کنند، باید برای کسب موافقت‌و اجازه حزب به‌دفتر «مردم» مراجعه کنند.

امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقمندان به‌انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.

دبیرخانه کمیته‌مرکزی حزب توده ایران

رویدادهای جهان

● ترکیه در آستانه وابستگی بیشتر

ملت همجوار ترك‌ها، که در پرتو انقلاب ظفرمند ایران، مانند ملت ما از ننگ تحمل یوغ استعماری سستو رها شده است، متاسفانه به‌طور روزافزون به‌دام وابستگی دیگر یعنی «ناتو» کشانده می‌شود.

روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی دراین مورد نوشت که‌چون وضع اقتصادی ترکیه در چند سال گذشته وخیم‌تر شده است، کشورهای عضو پیمان تجارتی‌گار ناتو، با استفاده از این تنگنا ووضع اضطراری اقتصادی ترکیه، وابستگی این کشور را به پیمان اتلانتیك شمالی فزون‌تر ساخته‌اند.

اتحاد شوروی اعلام کرد که قصد معاون وزارت امور خارجه امریکا ارسفرا خیرش به‌ترکیه این است که نقش این کشور در جناح جنوبی پیمان نظامی ناتو تقویت گردد وپایگاه‌های امریکا درآن حفظ وابقا شود.

● جهان، غارت، تجاوز و تحمیل را محکوم می‌کند

روابط ویرانگر واسارت‌بار کشورهای سرمایه‌داری با کشورهای درحال توسعه، در زمینه‌های اقتصادی، درخور تامل وبررسی است. به‌عنوان مثال، نماینده کویا در کنفرانس توسعه و بازرگانی سازمان ملل متحد (اونکتاد) گفت: «بازار مشترك اروپا حاضر نیست به موافقتنامه بین‌المللی شکر ملحق شود و بدین‌طریق دست به رقابت‌غیر عادلانه‌ای به‌ضرر کشورهای در حال رشد زده است».

نماینده کوبا درباره روابط غارتگرانه شرکت‌های چند ملیتی با کشورهای درحال توسعه گفت که این شرکت‌ها منافعی را که در کشورهای درحال رشد به‌جیب می‌زنند به‌کشور اصلی خود منتقل می‌کنند.

وی سپس درباره آفت سرمایه‌گذاری‌های استعماری خارجی‌ـ که ایران درسال‌های هجوم سرمایه غرب از آن زیان‌های جبران ناپذیری برد ـ سخن‌گفت و اعلام‌کرد: «جریان این سرمایه‌ها ظاهرا به‌بهبود نسبی اوضاع اقتصادی کشورهای درحال رشد می‌انجامد، لکن اگر نظارت واقعی وضرور درکار نباشد، این سرمایه‌گذاری‌ها به‌آثار ونتایجی منفی از قبیل رشد توام با هرج ومرج ورکود پاره‌ای از شاخه‌های تولید و افزایش‌بدهی کشورهای در حال رشد منتهی خواهد شد».

نمایندگان کشورهای «جهان‌سوم» در کنفرانس توسعه و بازرگانی (اونکتاد)، که در پایتخت فیلی‌پین تشکیل شده است، با مقاومت سخت به‌کشور صنعتی بزرگ یعنی امریکا، ژاپن و آلمان غربی مواجه شدند. نمایندگان کشورهای«جهان سوم» ازسخنرانی‌های مقامات این سه کشور سرمایه‌داری این استنتاج قطعی را حاصل کردند که «جهان سوم» مطلقا نخواهد توانست از کشورهای صنعتی سرمایه‌داری امتیازی تحصیل کند.

● ... کنفرانس اسلامی نیز محکوم می‌کند

اعلامیه نهایی مفصل کنفرانس اسلامی، که درفاس انتشار یافت، حاوی دونکته بسیار مهم و درحقیقت واکنش شایسته دربرابر تجاوز ونقض حقوق ملت‌هاست. اعلامیه نخست، دولت امریکا را محکوم کرد ونتایج قراردادهای کمپ‌دیوید و واشنگتن را، که حقوق ملی و انتقال ناپذیر خلق فلسطین را درمورد بازگشت بوطن، تعیین سرنوشت و ایجاد دولت مستقل خویش به‌رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین نقض می‌کند، ردکرد. دیگر آن‌که از دولت‌های اسلامی خواست که سی و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد را دعوت به‌تشکیل کنند تا در اجلاس فوق‌العاده، قدابیری به‌منظور اجـرای قطعنامه‌های سازمان ملل درباره رفع اشغال اسرائیل از سرزمین‌های عربی و فلسطینی وتامین حقوق ملی انتقال ناپذیر خلق فلسطین، اتخاذ کند.

لکن اسرائیل بی‌اعتنا به‌افکار عمومی جهان، به‌پشتیبانی امریکا همچنان در موضع تجاوز به‌استقلال وتمامیت ارضی ملت‌ها استقامت می‌ورزد.

مناخیم بگین، نخست وزیر اسرائیل درگفت وگوئی با ساموئل‌لولیز، سفیر امریکا در اسرائیل، گفت که این کشور عملیات خود را علیه فلسطینی‌ها در لبنان ادامه خواهد داد. واقدامات ایذایی علیه آن‌ها به‌عمل خواهد آورد. درگفت وگوی سفیر امریکا و بگین، موشه‌دایان وزیر امور خارجه و عزروایزمن وزیر دفاع اسرائیل‌نیزحضورداشتند. بگین با نظر فرمانده نیروهای صلح سازمان ملل مخالفت کرد وبرای خود حق تعقیب فلسطینی‌ها را درکشورهای دیگر قائل شد!

... و سادات،هم‌پالکی بگین، نیز که نقش ژاندارمی خلیج فارس درآینده، به‌وی تفویض شده است در خلال یك سخنرانی اعلام کرد: «تصمیم امریکا در باره ارسال یك میلیارد دلار اسلحه به مصر موجب خواهد شد که تکنولوژی نظامی مصر بیست گـام به‌جلو برداره».

سادات در مصاحبه‌ای با نیویورك‌تایمز، درباره امتناع عربستان سعودی از تامین هزینه خرید پنجاه‌فروند هواپیمای جنگی اف ۱۵ امریکا، گفت: «من از مردم امریکا خواهم خواست که پول این هواپیماها را بپردازند»!

● واکنشها در برابر تجاوزها و مانورهای سیاسی

شرف، وزیر دربار اردن در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه «النهار عرب و بین‌الملل»، که در پاریس چاپ میشود، اعلام کرد که اسرائیل پس از نیل به‌هدف جداکردن مصر از جهان عرب می‌کوشد تا لبنان را قطعه‌قطعه کند. وی سپس در ریشه‌یابی وقایع خاورمیانه اتکشت روی عامل اصلی گذاشت و گفت: «امریکا مانع حـل کامـل و جامع مساله خاورمیانه است».

عبدالحلیم خدام، وزیر امور خارجه سوریه نیز در مصاحبه‌ای با روزنـامه انگلیسی‌زبان «ماندی‌مونینگ»، چاپ لبنان، به‌مانور سیاسی صهیونیسم اسرائیل‌پاسخ قاطع داد و پیشنهاد موشه‌دایان را در این مورد که «اسرائیل، جولان را بشرط‌انعقاد پیمان صلح میان این کشور و سوریه ترك کند» ردکرد. وی موکدا اعلام‌کرد: «هرکس که بخواهد از صلح سخن بگوید باید از حقوق انتقال‌ناپذیر خلق فلسطین آغـاز کند».

ازطرف دیگر درآستانه گفت و گوی سران سوریه و لبنان، یاسرعرفات رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین در دیداری با حافظ‌الاسد، باوی درباره تحولات اخیر اوضاع «لبنان»، مخصوصا در جنوب این کشور، به‌مذاکره پرداخت.

● تاچر، ناتو و داستان «تهدید نظامی»

وزرای دفاع ده کشور عضو ناتو برای بحث درباره اتحاد دفاعی غرب گردهم آمدند. منابع مربوط بااین پیمان اعلام کردند که ناتو از توفیق حزب محافظه‌کارو از نخست‌وزیری تاچر خرسند است، چون‌که وی قول داده است که برقدرت دفاعی انگلیس بیفزاید. این منابع همچنین فرصت را برای تکرار داستان مجعول «تهدید نظامی اروپا» از دست ندادند و گفتند: «مایه خرسندی است که تاچر وعده داده است که نقش کامل خود را دربرابر «تهدیدنظامی»ی که اروپا بآن مواجه است ایفاء کند! همچنین اعلام شد که تاچر در این راه نخستین گام را با افرایش‌حقوق افراد مسلح انگلیس برداشت.»

قرارداست وزیران دفاع ناتو دراین‌جلسه تصمیماتی درباره‌برنامه تسلیحاتی خود اتخاذ کنند که مشتمل است برخرید ۱۵۰ عراده توپ، ۷۵۰ دستگاه ضد تانك، هفت هزار موشك‌انداز، چهار ناوشکن، دوفروند ز

در کنفرانس فدراسیون سندیکائی جهانی

کنفرانس نوبتی فدراسیون سندیکائی جهانی، از ۲۱ تا ۲۴ فروردین‌ماه (دهم تا سیزدهم آوریل) در شهر صوفیه پایتخت بلغارستان تشکیل یافت. در این کنفرانس هیئتی از کارگران ایران، از طرف کمیسیون روابط سندیکائی ایران، شرکت کردند.

نمایندگان کمیسیون روابط سندیکائی ایران، طی سخنرانی خود، ماهیت ضد امپریالیستی و دموکراتیک انقلاب پیروزمند ایران و نقش قاطع طبقه کارگر را در آن توضیح داد. اعتصاب سیاسی سراسر کشور کارگران ضربه خوردکننده‌ای به‌رژیم فاسد پهلوی وارد آورد و اعتصاب سرسختانه کارگران نفت کمر آن‌را شکست. کارگران، در روزهای قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه، در درگیری‌های خیابانی شرکت کردند و بسیاری از آنان شهیدشدند. درسخنرانی نمایندگان کارگران ایران توضیح داده‌شد که رژیم شاه‌مخلوع

بقیه در صفحهٔ ۴

درود به خلق قهرمان فلسطین!

پانزدهم ماه مه ۱۹۴۸ فلسطین اشغال شد
و ملت فلسطین آواره گشت.
از آن تاریخ به‌بعد گفتند: دیگر چیزی
به‌نام فلسطین وجود ندارد، ولـی ندانستند
کـه:
فلسطین به‌دست انسان فلسطینـی گشوده
می‌شود.
ندانستند که:
شناسنامه من صادره از غیر ممکن‌هاست
شناسنامه من از برگ مزارع است.
وسرزمین فلسطین به‌دست انسان فلسطینی
گشوده می‌شود.
و از آوازها و نغمه‌های دهکده‌های سپید
رنگ.
سرزمین فلسطین از دفترهای‌دانش‌آموزانی
شروع می‌شود که الفبا را روی بمب‌ها و
مین‌های میدان جنگ آموخته‌اند.
و در پشت درهای روز فراگرفته‌اند.
اکنون هنگام انفجار است.
وهنگام استفاده شرافتمندانه و صلح‌آمیـز
و انقلابی از شمشیر است.
و میهن ما به‌مثابه یك دیوار نیست و من
به‌مثابه یك سنگ نخواهم بود.

شاعر انقلاب فلسطین
محمود درویش

خواست مادران شهدا

انتشار نامهٔ مادر شهید توده‌ای، پرویز حکمت‌جو، عضو کمیتهٔ مرکزی حـزب تودهٔ ایـران، و همچنین مادر شهدا: رضائی‌هـا در باره شکنجه‌گـران این شهدا و نوع شکنجه‌ای که آن‌ها در بیغوله‌های آریامهری شده، حقایق تکان‌دهنده‌ای است.

در این نامه، کـه خطاب به‌رهبر انقلاب و نخست‌وزیر ایران نوشته‌شده چنین می‌خوانیم:

حضرت آیت‌الله‌العظمی امـام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران

رونوشت آقای مهندس بازرگان نخست وزیر موقت انقلاب.

با تقدیم بهترین شادباش‌ها به‌مناسبت توفیق بی‌نظیر همه‌پرسی در برقـراری جمهوری اسلامی سخنان امیدبخش آن پیشوای گرانقدر را روز دوازدهم فروردین پس از پیروزی همه‌پرسی شنیدیم و به‌حق خوشحال شدیم. شما فرمودید مجرم بایستی مجازات شود. آن‌کس که بایستی مورد بازجوئی، بازپرسی ومحاکمه قرارگیرد متهم است نه مجرم. بعد اشاره فرمودید حقوق بشر تا زمانی که بهترین فرزندان این آب و خاك زیر شکنجه‌های بیرحمانه و غیرانسانی قرار داشتند کجا بود؟ چه می‌کرد؟ حق همین است. حقوق بشر فریاد رسیدند، یا پس از تحمل شکنجه و عذاب به‌جوخه اعدام سپرده شدند منجمله مادری که فرزندش را پس از تحمل ده سال از دوران محکومیت خود، به کمیته امنیت شاه می‌برند و زیر وحشتناك‌ترین شکنجه به‌شهادت می‌رسانند.

حضرت آیت‌الله رهبر انقلاب اسلامی‌ایران

شهید صدیقه رضائی

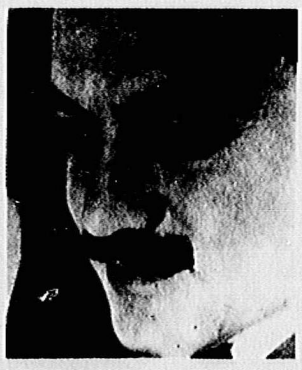

شهید پرویز حکمت‌جو

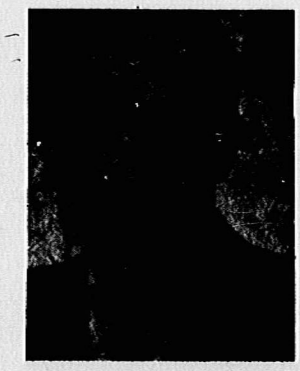

شهید رضا رضائی

شهید مهدی رضائی

ضجه و ناله دختران و پسران مبارز این آب و خاك را که با ظلم و ستم مبارزه می‌کردندنمی‌شنید. حقوق‌بشر کشتار بی‌رحمانه جوانان ما را در شکنجه‌گاه‌های شاه جلاد و دیوصفت و یا صف اعدام‌های بی‌دادگاه‌های نظامی را نادیده گرفت.

حضرت آیت‌الله، ما مادرانی هستیم که فرزندانمان به‌خاطر مبارزه با رژیم فاسد پهلوی و به‌جرم مبارزه در راه استقلال و آزادی ایران و رهائی ملت ایران از بار ستم غارت‌گران امپریالیسم در سال‌هـای اخیر یا در زیر شکنجه‌های ساواك به‌شهادت و دادرس مادرهای زجرکشیده، ما مادران شب و روز دعا کردیم، ناله کردیم و در داغ عزیزانمان ضجه زدیم به‌امید روزی که دشمنان‌خلق به‌سزای اعمال‌ننگینشان برسند: ما دعاگوی وجود مبارك هستیم، به درد دل ما گوش فرمائید. به درد دل کسانی که جگرگوشه‌هایشان زیر شکنجه‌های وحشتناك‌جان دادند و فریاد زدند زنده‌باد ملت قهرمان ایران.

حضرت آیت‌الله، ورقه‌ای که در جوف نامه است خط فرزند من است که در ۳ دیماه ۵۲ از زندان او را بردند زیر شکنجه و در ۶ دیماه به‌من اجازه ملاقات دادند. در سلول انفرادی او را ملاقات کردم که تا زانو در گل فرو رفته بود و تمام بدنش خیس بود. شکنجه‌ها توسط سروان آذری وپاسبان عبدی اعمال شده بود. روز جمعه بعد از چند روز او را بردند به بیمارستان به‌خاطر این که از فرط نمناك بودن سلول انفرادی به‌حالت فلج گرفتار شده بود. اخیرا از رادیو شنیدم که سروان آذری و پاسبان‌عبدی دستگیر شده و هریك به دو سال زندان تادیبی محکوم گردیده‌اند. من شاهد شکنجه فرزندم پرویز حکمت‌جو افسر نیروی‌هوائی کـه پس از ده سال زندان او را شکنجه می‌کردند، بودم. هروقت به ملاقاتش می‌رفتم آثار شکنجه را روی بدنش می‌دیدم، حـال می‌بینم که شکنجه‌گران او به دو سال‌زندان محکوم شده‌اند. در خرداد ۵۳ فرزند مرا به

بقیه در صفحهٔ ۴

درحاشیهٔ برگزاری مراسم سالروز شهادت خسرو روزبه

* رفقائی که پوستر روزبه را به در ودیوار می‌چسباندند، اظهار می‌دارند که کـم‌تر مشاهده کرده‌اند از پوسترهای حزبی با چنین شور وشوقی استقبال شود. حتی کسانی که در سایر موارد بی‌تفاوت از کنـار اعلامیه‌های حزبی می‌گذشتند، این‌بار بـا ابراز علاقه وهمبستگی می‌ایستادند وواکنش می‌کردند. رفیقی می‌گوید: جالب بود که‌هر جا عکس شهید بزرگ را می‌چسباندم، فورا رهگذران جمع می‌شدند وبا تحسین تماشا می‌کردند وفراخور حال چیزی می‌گفتند. مثلا پیر مردی، پس ازآن‌که به عکس‌مدتی خیره شد، چنان‌که گوئی خاطراتش‌را زنده می‌کند، لبخند عمیقی زد وبا لحنی تحسین آمیز گفت: چه مردی بود، با آن سبیـل کلفت مردانه‌اش. او می‌خواست‌تمام رویای محبت وتجلیل خود را با این عبارت‌ساده بیان کند.

حتی یك پلیس راهنمائی وقتی‌پوستر را می‌چسباندم نزدیك شد و گفت: آقا من مخلص روزبه هستم. توی ارتش‌لنگه‌نداشت. همه ارتشی‌ها مثل جان دوستش داشتند. چه آدم نازنینی بود.

پسرك نوجوانی چند قدم پائین‌ترپهن رسید وگفت: آقا، یه‌عکس روزبه رو بده. می‌خوام توی مدرسه بزنم. سرمشق همـه ماست.

* در جریان مراسم مختلف سالگرد، پدیده‌هائی بروز کرد که شایسته بزرگداشت این شهید کبیر نبود، اگرچه نتوانست لکه‌ای براین خاطره تابناك بگذارد. در مراسم اصلی بهشت زهرا، گروهی حدود ده‌نفر، از دور کوشیدند با فریادهای خشم آلود ضد توده‌ای و زیر نقاب دروغین مذهب، که به‌کلی‌با اسلام راستین و رهنمودهـای امام خمینی مغایرت دارد، ایجاد اغتشاش کنند، که البته موفق نشدند و در این جا میبایست ضمنا از همکاری کمیته امام در محل نیز ابراز امتنان کرد که صمیمانه و مجدانه در حفظ انتظامات کوشیدند.

جالب و مهم است بدانید که چند تنی از بین همین مسلمان نماهای دوآتشه که شعار «مرگ بر کمونیسم» می‌دادند، تا نیم‌ساعت قبل از واقعه، اعـلامیه سازمان مائوئیستی «انقلابی» را پخش می‌کردند و عضو این سازمان هستند!

این سازمان وهم‌چنین دسته‌ای بی‌نام و نشان، با امضای «گروه یاران‌روزبه» و

تندیس به‌یاد خسرو روزبه، اثر هنرمند مترقی رضا اولیا، در شهر فیانورومانو (در نزدیکی رم، پایتخت ایتالیا)

از زمانی که تندیس به‌یاد خسرو روزبه درشهر فیانورومانو نصب شده، هرساله در روز ۲۱ اردیبهشت، سالروز این شهید بزرگ، مراسمی در این شهر با حضور شهردار و سایر مقامات محلی و همچنین نماینده حزب توده ایران و نمایندگان حزب کمونیست و سایـر احـزاب دمکراتیك ایتالیا برگزار می‌شود. امسال‌نیز چنین مراسمی‌برگزار شد. لوئیجی لونگو، رئیس حـزب کمونیست ایتالیا بدین مناسبت پیامـی فرستاد و ضمن تجلیل از خاطره‌تابناك روزبه، پیروزی انقلاب مردم ایران را به‌کارگران و زحمتکشان و همه خلق ایران و همچنین به حزب توده ایران تهنیت گفت و کامیابی آن‌ها را در پیشبرد امر انقلاب خواستار شد.

متاسفانه اعلامیه‌ای، که با امضای سازمان چریك‌های فدائی خلق منتشرشد، (وهم‌چنین طی مراسم جداگانه‌ای که توسط این‌سازمان برپا شد) همه به بهانه تجلیل از روزبـه، کوشیدند لبه تیز حمله را متوجه حزب او نمایند وگاه با الفاظ رکیك ووقیحانـه به حزب تودهٔ ایران توهین کنند و درهر حال وظیفه خود را همه‌نه‌تجلیل از زندگی و مبارزه روزبه و آموختن از سرمشق او، بلکه جدا کردن روزبه از حزبش قـرار دادند، کـه البته کوششی است عبث و نامیمون.

* طی برگزاری مراسم بهشت‌زهرا، چندبار مردمی عادی از خیابان شمالی بلوك شش گذشتند که اموات خود را با ندای«لااله‌الاالله» بـه‌سوی مزارهـایشان همراهـی می‌کردند.

دوبار سخنرانان، نطق خود را وحضار کف‌زدنها و شعارهای خویش را باحترام خانواده‌های عزاداری که می‌گذشتند، قطع می‌کردند تا آنها رد شوند و صدای بلندگو ها آنها را ناراحت نکند و سپس مراسم ادامه می‌یافت.

افراد این خانواده‌ها و سوگواران، تحت تاثیر این روش انسانی و احترام‌آمیز دهها هزار نفری که در متینگ گردآمده بودند، قرار گرفتند و درتماس با ماموران انتظامات ما و گردانندگان مراسم،صمیمانه ابراز سپاسگزاری کردند.

* یك مادر ودختر از مشهد برای شرکت در مراسم آمده بودند. تعداد بسیار زیادی از زنان چادر مشکی یا خالدار داشتند ودر پاسخ سئوال چند دانشجو، روزبه را قهرمان ملی معرفی می‌کردند.

بسیاری از حضار، ازاین‌که دربهشت زهرا با دشواری ترافیك و دوری ازشهر، اینهمه گرد آمده بودند وعبور صف ازمزار روزبه تا سر خاك شهدای ۱۷ شهریور، ۳۵ دقیقه به‌طول انجامید، سخت تحت تاثیـر قرار گرفته بودند، واین مطلب رابجوانانی که با آن‌ها صحبت می‌کردند، ابراز می‌داشتند. یك نفر حاجی و چند نفر دیگر، که می‌گفتند نمازشان قطع نمی‌شود، بـه جوانان می‌گفتند: مذهبی بودن منافاتی با توده‌ای بودن ندارد.

در پایان این حاشیه نویسی، سخنان برخی از شرکت کنندگان در مراسم بهشت زهرا را که مخبرین «مردم» گردآورده‌اند، بعنوان نمونه افکار واحساسات حاضـران می‌آوریم:

* **یك باغبان:** خسرو یك فرد آزادیخواه و عضو توده بود. بعد ازآن‌که به‌دست‌دشمن افتاد، حسابی مقاومت کرد. مقاومت او چه

بقیه در صفحهٔ ۲

استقبال کم‌نظیر مردم از نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران

روز ۲۱ اردیبهشت، همزمان با برگـزاری مراسم سالگرد شهادت خسروروزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی واستقلال ایران نیز افتتاح شد.

نمایشگاه، از همان ساعت افتتاح، بـا استقبال کم‌نظیر مردم روبرو شده وتاکنون نه فقط عده‌کثیری از مردم تهران، بلکـه بسیاری از مردم شهرستان‌ها نیز از آن دیدن کرده‌اند وبا زندگی و پیکاروشهادت شهیدان راه آزادی واستقلال ایران آشنا شده‌اند.

توجه!

علاقه‌مندان به«نمایشگاه به‌یاد شهیـدان راه آزادی واستقلال ایران» می‌توانند تا روز ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محل دانشگاه صنعتی تهـران، محوطه بین تالارها، از این نمایشگاه دیدن کنند.

ضمنا یادآور می‌شود که این نمایشگـاه متعلق به همهٔ شهیدان راه آزادی واستقلال ایران، صرف‌نظر از تفاوت در عقایدسیاسی،

در دفتر یادبود نمایشگاه، نوشته‌هائی‌از جانب بازدیدکنندگان دیده می‌شـود کـه حاکی از حق شناسی نسبت به شهیدان و همچنین عزم راسخ برای ادامه راه‌شهیدان است. ازآنچه که تاکنون نـوشته شـده، ساده‌ترین و کوتاه‌ترین و درعین حال پر معناترین‌آن‌ها، باامضاء«یك برادر مسلمان» است که نوشته: یاد خسرو روزبه گرامی‌باد. مسلکی و مذهبی آن‌ها است، لذا از همه میهن‌پرستان وآزادیخواهان ایران وبه‌ویژه از بازماندگـان و دوستان همه شهیـدان خواستاریم که عکس و اطلاعات مـربوط به‌زندگی و پیکار و شهادت شهیدان غیر توده‌ای را نیز در اختیار اداره‌کنندگان نمایشگاه و یا دفتر «مردم» قرار دهند. موجب سپاس فراوان خواهد شد.

مردم، ارگان مرکزی حزب‌تودهٔ ایران
فعلا هرهفته سه شماره: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
نشانی:
خیابان ۱۶ آذر، شمارهٔ ۶۸، تلفن:
۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

حزب تودهٔ ایران از پیکار خلق قهرمان فلسطین بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم پشتیبانی می کند